

جنگ نفتکش ها و اهمیت

استراتژی یک تنگه هرمز

جنگ عراق و ایران هفت سال پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشت. این طولانی ترین جنگ خاورمیانه که دارای ابعادی با تاثیر منطقه ای و بین المللی است، در حالی که در یکی از حساس ترین مناطق اقتصادی جهان ادامه دارد، منبع دائمی بحران و تنش فراگیر بوده است که به دلیل ماهیت ضربانی آن، به استثنای یکی دو سال اخیر، کمتر توجه بین المللی را برانگیخته است. هدف بخش اول این مقاله که توسط «ع. مروی» نوشته شده بررسی اجمالی روند جنگ خلیج فارس طی ماه های اخیر و بررسی کلی وضعیت میان ایران و عراق است. در بخش دوم نیز، بر اساس گزارشی که توسط کارشناسان نفتی تهیه شده است، اطلاعات و آماری پیرامون جنگ تولید و صدور نفت از منطقه بحرانی خلیج فارس و تنگه هرمز ارائه خواهد شد.

از تحمل حملات مداوم ایران، «عزم تداوم دفاع» را از خود بروز داده است. اما این تمامی ماجرا نیست زیرا ظاهر ساختن این موضع سیاسی، مانع از فرسایش و تحلیل رفتن توان نظامی ارتش و اقتصاد عراق نبوده است. طرح استراتژی یکی عراق، البته پاسخی سیاسی از جانب ایران را به همراه داشته و دارد که ابتکارات اخیر سیاسی ایران در راستای همین فرایند قابل تحلیل است که به آن اشاره ای خواهیم کرد.

همانگونه که گفتیم بحث عراق دیگر در فکر پیروز شدن در جنگ نیست. بلکه به ممانعت از شکست خود می اندیشد و برای دستیابی به این هدف اقداماتی را سازمان داده است که جنگ خلیج فارس را از یک نبرد صرفاً نظامی به نبردی با ابعاد گسترده سیاسی - اقتصادی بین المللی تبدیل کند. که گوشه هایی از آن را تحت عنوان کلی «وضعیت میان ایران و عراق» تشریح می کنیم.

وضعیت سیاسی

در دو کفه ترازوی جنگ خلیج فارس، برای بررسی وضعیت سیاسی باید به ابتکارات طرفین در جذب متحدین سیاسی طرف مقابل و تحمیل انزوای دیپلماتیک بردشمن اشاره کرد.

نیروهای مسلح ایران، ۲۰ ماه پیش، با عبور از اروندرود، فاو یعنی یکی از دو بندر نفتی مهم عراق را به تصرف خود درآوردند. عملیات فاو نشان داد که ایران در طول جنگ موفق شده است از حیث سازمان برای رزم، کاربرد نیروها، استفاده به موقع از اطلاعات رزمی، اجرای عملیات آفندی در زمان و مکان مناسب برای به دست آوردن امتیازات سیاسی - ارضی و اعمال اراده نظامی خود بر ارتش عراق، به نحو چشمگیری کفه ترازوی نظامی را به سود خود سنگین کند. شکست عراق در فاو علاوه بر آنکه موجب شد ایران برای اولین بار یک مرز مشترک آبی، حد فاصلی چند هزار متری، با خاک یکی از لجوج ترین متحدین عراق یعنی کویت به دست آورد، همچنین سبب گشت تا عراق مهمترین ترمینال های نفتی و نظامی خود را از دست داده و از حیث جغرافیایی بطور موثری در خشکی بلوکه گردد. عراق پس از شکست در فاو، در یک حرکت غافلگیرانه مهران را به تصرف در آورد و آن را وجه المصالحه فاو قرار داد. لیکن باز پس راندن ارتش عراق از مهران توسط نیروهای مسلح ایران، به شک و تردیدهایی که پس از سقوط مهران پیرامون توان نظامی ایران پدید آمده بود به نحو قاطعانه ای پایان داد. برداشت سیاسی از این دو عملیات در پایتخت های غربی و عرب آن بود که:

یک تحول و پیروزی قاطع نظامی بسود ایران در جریان جنگ خلیج فارس کاملاً متصور و محتمل است و همین برداشت بود که موجب شد مخالفین با شکست عراق برشدن فشار بین المللی جهت متزوی ساختن ایران بیافزایند. هدفها کاملاً مشخص بود:

- عراق در جنگ خلیج فارس نباید شکست بخورد.
- ایران نباید یک پیروزی قاطع نظامی در نبرد علیه ارتش بعث به دست بیاورد.

- توان نظامی ایران را باید با افزایش فشار اقتصادی بر این کشور، از طریق کاستن از قدرت صادرات نفتی و کاهش درآمدهای ارزی تهران، کنترل کرد و در نهایت به حد پائینی تنزل داد.

- حمایت های سیاسی - نظامی و اقتصادی لازم را بدون توجه به هزینه های آن از عراق به عمل آورد.

دقیقاً پس از فتح فاو، باز پس گیری مهران و اجرای عملیات کربلای - ۵، که در ابعاد وسیعی احتمال یک موفقیت نظامی دیگر ایران در بصره و میادین نفتی اطراف آن شهر را افزایش داد. عراق عموماً هر «عمل و طرح نظامی» خود را صرفاً برای تبیین یک «موضع سیاسی» اجرا کرد. هدف اساسی رژیم عراق با توجه به عزم رهبری ایران برای ساقط کردن حکومت بغداد بیان این نکته بوده است که عراق قادر است «دفاع از خویش را تحت هر شرایطی تداوم بخشد» به عبارت دیگر فرضاً در عملیاتی نظیر کربلای - ۵ که ۱۲۰ تیپ عراقی درگیر نبردی سهمگین در باتلاق های اطراف بصره شدند، برای عراق صرف دفاع نظامی از شهر و تاسیسات حیاتی و میادین نفتی اطراف بصره مطرح نبود؛ هدف رژیم عراق از تحمل تلفات سنگین در اطراف بصره آن بود که به جهان و خصوصاً حامیان خود اعلام کند بغداد همچنان قادر است دفاع از خویش را تداوم بخشد و در برابر حملات سنگین ایران مقاومت کند. حال این سوال را می توان طرح کرد که آیا عراق در اجرای این طرح طی یکسال و نیم اخیر موفق بوده است یا خیر؟ رژیم بعث عراق بدون توجه به هزینه ها و تلفات و خسارات ناشی



دستگاه دیپلماسی ایران حتی با تداوم عملیات جنگی علیه عراق موفق شده است حمایت متحدین خود در جهان عرب را همچنان حفظ کند. اجلاس ماه اوت وزرای خارجه «اتحادیه عرب» در تونس نمادی از این موفقیت مهم محسوب می شود. سوریه در این اجلاس به نحو قاطعی از سیاست های ایران به دفاع برخاست و طرح کشورهای عربستان، کویت و عراق را که هدف آن وادار ساختن کلیه کشورهای عرب به قطع ارتباطات سیاسی و اقتصادی با ایران بود، با شکست مواجه ساخت. اهمیت اقدام سوریه از آنجا ناشی می شود که نقش سوریه در جامعه عرب را در شرایط حاضر توضیح دهیم:

رژیم قاهره تلاش فراوانی می کند تا با استفاده از نیازهای تسلیحاتی سیاسی عراق در جنگ خلیج فارس و با حمایت از بغداد به مقام وصف رهبری جهان عرب، که پس از عقد موافقتنامه های کمپ دیوید آن را از دست داده است، بازگردد.

حمایت سوریه از ایران، که در حقیقت نهادی کردن دشمنی سنتی با رژیم بغداد تلقی می شود، موجب آن شده است که تلاش های دمشق برای حفظ موقعیت اساسی آن کشور در میان دولتهای عربی مقتدر با مشکلاتی مواجه گردد. با این حال سوریه ترجیح می دهد از حمایت های عربستان و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس چشم پوشد و به اتحاد استراتژیک خود با تهران عمق و وسعت بخشد. این در حالی است که عمان، امارات و تاحدودی بحرین و قطر نیز گرایش در زمینه متعادل ساختن روابط با تهران از خود بروز داده اند که مجموعه این شرایط موجب شده است تا دولتهایی نظیر لیبی، الجزایر و یمن جنوبی نیز در پایداری برگزینش روابط با تهران اشتیاق بیشتری نشان دهند. این در حالی است که روند روابط تهران - ریاض پس از قتل عام زائران ایرانی در مکه و روابط تهران - کویت پس از درخواست آل صباح از واشنگتن برای نصب پرچم آمریکا بر نفتکش های کویتی، دچار تنش شدید و بحران عمیقی شده است و روابط طرفین از حالت «صلح سرد» به مرحله «جنگ سرد» تغییر کرد و هیچ بعید نیست که تنش موجود، علیرغم میل ایران به ممانعت از گسترش درگیری در خلیج فارس، به مرحله برخورد نظامی نیز برسد.

رژیم بعث عراق، قطعاً از تشنج شدید موجود در روابط تهران با ریاض و کویت خوشنود است، در حالی که روند گسترش روابط ایران با عمان، امارات و قطر را با دقت تمام دنبال می کند. به هر حال، روابط ایران با مؤثرترین دولتهای عرب در فرآیند جنگ و صلح خاورمیانه، همچنان دارای استحکام لازم می باشد. در میان مسایگان غیرعرب، ترکیه در عین گسترش روابط بازرگانی و اقتصادی خود با طرفین درگیر در جنگ، نوعی بیطرفی مثبت را در پیش گرفته است. ترکیه اولین طرف عمده بازرگانی ایران در میان کشورهای جهان سوم و متحد تهران و اسلام آباد در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می باشد. در این حال، عراق با استفاده از دو خط لوله نفتی که از خاک ترکیه می گذرد و به ترمینال های نفتی ترکیه در سواحل مدیترانه می رسد، بیش از ۱/۵ میلیون بشکه از نفت خود را بایاری ترکیه صادر می کند. انکارا نیز در عین حال به یاری بغداد در حل مشکلات روه به تزاید آن رژیم در کردستان عراق شتافته است. از دیگر سو، اتحاد جماهیر شوروی که مهمترین تامین کننده سلاح برای بغداد محسوب می شود و در چهارچوب یک قرارداد دوستی و همکاری (منعقد در سال ۱۹۷۲) با بغداد پیوند خورده است، اخیراً به نحو محسوسی تمایل خود به گسترش روابط با تهران را، حتی به قیمت انتقادات لفظی عراق از مسکو، آشکار ساخته است. این در حالی است که ایران رژیم حاکم بر کابل - یعنی دست نشانده مسکو در جنوب آسیا - را از حیث قانونی به رسمیت نمی شناسد و خواستار خروج نیروهای شوروی از افغانستان و برگزاری یک انتخابات آزاد برای تعیین آینده این کشور می باشد. در حالی که بغداد روابط خود با رژیم کابل را طی سال های اخیر گسترش داده است. از سوی دیگر پاکستان نیز با توجه به پیوندهای دیرینه اش با ایران، با آنکه خواستار ختم جنگ از طرق دیپلماتیک است، امری که عامل استحکام روابط اسلام آباد و پایتخت های عربی می شود، لیکن به نحوی استراتژیک پیوند با تهران را به نفع سیاست های منطقه ای خود (شکاف امنیتی موجود در مرز هندوستان، مساله افغانستان و شوروی و پیوندهای اقتصادی با ایران) می داند.

هراروپا، در حالی که ایران موفق شده است روابط اقتصادی و بازرگانی خود با کشورهای اروپای شرقی را گسترش دهد، و در آن سوی دیوار برلن، در تقویت موضع سیاسی و اقتصادی خود در رابطه با دولتهای آلمان غربی، ایتالیا، بلژیک و کشورهای شمال اروپا پیشرفت هایی، هر چند همراه باتانی داشته باشد، لیکن در بازگسودن مناسبات دیپلماتیک با پاریس، یعنی یکی از مهمترین متحدین عراق، ناموفق بوده است. تلاش های اخیر تهران و پاریس برای تقویت روابط دیپلماتیک و ارتقاء سطح آن با اتهام وزارت کشور فرانسه

نسبت به یک دیپلمات ایرانی در پاریس، دچار وقفه و رکود شد، وقفه ای که همچنان ادامه دارد. هر چند بازپس گیری ۲۳ میلیون دلار از وام پرداختی به «اورودیف» و موفقیت فشار بر دولت فرانسه جهت اخراج بخشی از رهبری ضدانقلابیون ایران، از پاریس، نشانه ای از بسط نفوذ تهران در میان دولتمردان فرانسوی بوده است، لیکن وقفه اخیر در روابط، هر چند که هر دو طرف و به ویژه فرانسه مایلند این موضوع را به نحوی حل کنند، مانع از روند بسط و گسترش روابط گردید.

ایالات متحده آمریکا نیز با نصب پرچم های خود بر کشتی های کویتی، عملاً خود را درگیر نبرد خلیج فارس ساخته است.

با آنکه طی یکی دو سال اخیر تلاش زیادی از سوی آمریکا برای نزدیکی به تهران صورت گرفت، اما ناتوانی واشنگتن در درک مفاهیم و اهداف انقلاب ایران، و ادامه سیاست های خصمانه علیه تهران، در حالیکه روابط سیاسی با عراق به سطح سفیر ارتقاء یافت و بغداد به سومین طرف عمده بازرگانی آمریکا در جهان عرب تبدیل شد، موجب آن شده است که شکاف موجود میان تهران و واشنگتن عمق و وسعت بیشتری یابد. با این حال، واشنگتن با توجه به نقش و اهمیت استراتژیک ایران در صحنه بین المللی، نمی تواند منافع و نفوذ تهران در خاورمیانه و خلیج فارس را انکار کند. حتی اگر چنین امری منجر به بروز تنش های در روابط واشنگتن با برخی از پایتخت های عرب گردد به عبارت دیگر، در حالیکه تهران طی ماههای اخیر در انتظار دریافت علامت و نشانه های حسن نیت از سوی واشنگتن بود، فقدان یکپارچگی سیاسی در دولت ریگان و اختلافاتی که میان رهبران دیپلماسی آمریکا وجود دارد (اختلافی که سیاست خاورمیانه ای واشنگتن را غیر قابل درک و فاقد هدفهای ثابت می کند) نه تنها مانع از هرگونه تفاهم سیاسی میان طرفین گردید بلکه عملاً پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در ژوئیه گذشته، به لشکرکشی دریایی عظیم پنتاگون به خلیج فارس و دریای عمان با هدف مرعوب کردن انقلاب ایران منجر شد که این امر در حقیقت تشدید خصومتی آشکار با تهران بود؛ خصومتی که نهایتاً روابط ایران و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را در حالتی بحرانی قرار داد.

از تحولات مهم در ارتباط با «وضعیت سیاسی» میان ایران و عراق، ابتکارات دیپلماتیک ایران در ارتباط با دولت های ژاپن، آلمان فدرال و ایتالیا است. ایران موفق شده است در پی مذاکراتی مداوم، هانس دیتریش گنشر وزیر خارجه آلمان غربی را نسبت به موضوع تعیین مسئول آغاز جنگ، وادار به عکس العمل مناسب نماید؛ امری که در عرف دیپلماتیک و با توجه به روابط گسترده بازرگانی و اقتصادی عراق با جمهوری فدرال آلمان، دارای اهمیت فراوانی است. به عبارت دیگر، این امر دارای آن میزان از اهمیت بود که اظهارات گنشر در مورد آغاز جنگ توسط عراق، به لفو اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی پن - بغداد و تهدید شرکت های بازرگانی آلمانی به قطع فعالیت های اقتصادی آنها از سوی عراق و اظهارات تند طارق عزیز انجامید.

در مجموع با نگاهی به اوضاع سیاسی و نوع برخورد و موضعگیری دولتها و سازمانهای بین المللی نظیر سازمان ملل متحد، کنفرانس اسلامی، جنبش غیرمتعهدها و... می توان گفت که حداقل طی یک سال اخیر، (بجز مورد آلمان فدرال) هیچگونه تحول قاطعی از دید روابط خارجی به سود یکی از طرفین درگیر در جنگ رخ نداده است. هرگونه تحولی از این دست، که نهایتاً بتواند برخی از متحدین سیاسی و نظامی یکی از طرفین درگیر در جنگ را جذب طرف مقابل سازد و یا آن متحد را بی طرف نماید، یک پیروزی بسیار عمده محسوب می شود که این امر زمینه لازم برای هرگونه تحرک قاطع سیاسی و نظامی خواهد بود. شرایط نشان می دهد که چنین تحولی در موازنه کنونی بوجود نیامده است و هیچ دلیل و قرینه ای نیز بر قریب الوقوع بودن چنین تغییراتی در دست نیست.

«وضعیت اقتصادی»

برای بررسی وضعیت اقتصادی میان عراق و ایران، پس از هفت سال جنگ، جنگی که اقتصاد هر دو کشور را شدیداً تحت تأثیر قرار داده و منابع محدود دو کشور را می بلعد، با توجه به ساختار اقتصادی هر دو کشور که مشخصه اساسی آن وابستگی به درآمد ناشی از صدور نفت خام است، می باید نقطه مرکزی ارزیابی خود را بر ظرفیت صادرات نفت دو کشور متمرکز کنیم.

برخی از ناظرین بین المللی که جریان جنگ عراق و ایران را تعقیب می کنند معتقدند با توجه به طولانی شدن جنگ، این قدرت اقتصادی و توان تأمین مخارج نبرد است که سرانجام سرنوشت جنگ خلیج فارس را روشن خواهد کرد. این نظر تا حدود زیادی صحیح است، هر چند که عزم و اراده طرفین درگیر در جنگ را برای ادامه نبرد در نظر نمی گیرد؛ عزمی که بعقیده ما در نهایت

*** دستگاه دیپلماسی ایران حتی با تداوم عملیات جنگی علیه عراق موفق شده است حمایت متحدین خود در جهان عرب را همچنان حفظ کند و شکست طرح عربستان، کویت و عراق در اجلاس ماه اوت و وزرای خارجه اتحادیه عرب نمادی از این موفقیت محسوب می شود.**

*** رژیم بعث عراق با صرف هزینه های بسیار و تحمل تلفات و خسارات ناشی از حملات مداوم ایران «عزم تداوم دفاع» را از خود بروز داده است. اما ظاهر ساختن این موضع سیاسی، مانع از فرسایش و تحلیل رفتن توان نظامی ارتش و اقتصاد عراق نبوده است.**

سرنوشت این جنگ را روشن خواهد کرد. بهر حال، به موجب آخرین گزارش از منابع رسمی، وضعیت صادرات نفت خام ایران و عراق در نیمه دوم سال ۱۹۸۷ به شرح زیر بوده است: عراق با برداشتی معادل ۲/۲ میلیون بشکه در روز و مصرف روزانه ۲۰۰ هزار بشکه، بطور خالص ۲ میلیون بشکه در روز، فراتر از سهمیه تعیین شده در جلسات اوپک، نفت صادر می کند. این در حالی است که ایران با صادراتی در حد ۱/۸ میلیون بشکه در روز (تولید ۲/۴۹ و مصرف ۰/۷ میلیون بشکه در روز) در بازارهای بین المللی حضور دارد. ایران تمامی نفت خود را مستقیماً از خلیج فارس صادر می کند. در حالیکه عراق ۱/۵ میلیون بشکه نفت از طریق دو خط لوله عبوری از خاک ترکیه و ۵۰۰ هزار بشکه نیز از طریق خط لوله پترولاین سعودی به دریای سرخ (ترمینال بنبع) صادر می نماید. گزارشات موجود نشان می دهد کویت و عربستان نیز روزانه ۳۱۰ هزار بشکه از نفت منطقه بیطرف را به حساب عراق می فروشند. با آنکه قیمت نفت خام همچنان ناپایدار است و نوسان هایی را تحت تاثیر مسایل سیاسی و اقتصادی از سر می گذرانند، لیکن با توجه به ظرفیت صادراتی دو کشور، نوعی تعادل در این زمینه محسوس است. ایران و عراق، هر دو توانسته اند در طول جنگ میزان معین و متعادلی نفت صادر کنند و این ارز لازم برای خرید کالاهای نظامی و کالاهای اساسی را برای هر دو کشور فراهم آورده است. برخی برآوردها نشان می دهد که عراق، تنها از طریق منابع رسمی یعنی خرید های دولت به دولت و با پول نقد، هر ساله ۶ میلیارد دلار سلاح خریده است (برخی از گزارشات دیگر مجموع هزینه جنگی عراق را تا ماهیانه یک میلیارد دلار نیز تخمین زده اند) این در حالی است که ایران با استفاده از منابع داخلی و صرفه جویی های لازم، میزان خریدهای نظامی خود را تا یک چهارم خریدهای نظامی عراق کاهش داده و در نتیجه سهم کمتری از تولید ناخالص ملی را در فراسوی مرزهایش برای تأمین نیازهای جنگی هزینه کرده است. این سیاست اقتصادی، که توسط دولت موسوی و تحت نظارت مجلس شورای اسلامی تعیین و اجرا شده است، لزوماً به معنی کمتر کردن فشار اقتصادی ناشی از جنگ در داخل یا استناد به دلایل سیاسی، حفظ حداقلی از رونق تجاری و اقتصادی، در عین اتخاذ سیاست های انقباضی بودجه ای و در نتیجه افزایش در میزان ذخایر ارز خارجی و نهایتاً موجب ارتقا اعتبار اقتصادی بین المللی بوده است؛ در حالیکه عراق حتی با فروش مقادیر فراوانی نفت، دائماً مجبور به استفاده از سیستم اعتباری (بازارهای مالی اروپای غربی و آمریکا) و دریافت وام های کلان بوده تا اقتصاد شدیداً تحت فشار خود را اداره نماید.

«وضعیت نظامی»

وضعیت نظامی میان ایران و عراق، تا حد بسیار زیادی تابع وضعیت های سیاسی و اقتصادی میان طرفین است. استراتژی نظامی ایران در مورد فرسودن عراق با انجام حملات مداوم محدود و همچنین انجام یک یا دو عملیات بزرگ و گسترده در هر سال، مجموعاً دستاوردهای بزرگی به بار آورده است. ایران با حمایت موثر از چریک های کرد در شمال عراق و اجرای عملیات آفندی منظم در جبهه های میانی و جنوبی، نیروی پیاده مکانیزه عراق را همچنان مجبور به صرف قوای پدافندی فشرده در خطوطی گسترده کرده است. این امر برتری تاکتیکی ویژه ای به نیروهای ایران بخشیده است. ارتش عراق برای تداوم عملیات پدافندی خود ناچاراً از اصل صرفه جویی در قوا سود می برد. در مقابل، ایران با استفاده از اصل تمرکز قوا و بکار بردن ابتکارات جدید جنگی، به نحوی مداوم (هرچند نه با سرعت) خطوط پدافندی عراق را به عقب رانده است. عراق در مقابل با مسلح کردن زمین، اتخاذ روش پدافند متحرک (پدافندی که عراق بوسیله آن تلاش می کند پس از هر حمله ایران مکان و زمان پاتک را خود انتخاب کند) و حملات هوایی فشرده که با وجود برتری کمی نیروی هوایی آن

کشور تاثیر عمومی و اساسی بازدارنده بر جریان جنگ در جبهه های زمینی پاتی نگذاشته است، طرح جنگی خود را به مرحله اجرا در آورده است. این طرح با آنکه در نهایت موجب شده است تا عراق بهره برداری سیاسی لازم در زمینه ظاهر ساختن «عزم تداوم دفاع» را بعمل آورد، لیکن در مجموع مانع از پیشرفت های استراتژیکی نظامی ایران نبوده است. اصولاً با توجه به ماهیت نظامی جنگ ایران و عراق، یک پیروزی قاطع نظامی در درجه اول محتاج به بسیجی عمومی است و چنین بسیجی الزاماً برقراری نوعی حالت مخصوص در کشور را طلب می کند که با توجه به اثار سیاسی آن، اتخاذ چنین تصمیمی بسیار دشوار خواهد بود.

در نهایت و با توجه به وضعیت سیاسی - اقتصادی و نظامی میان ایران و عراق، اگر شرایط خاصی در خلیج فارس پیش نیاید و یا آنکه اقدامات دیپلماتیک کثونی به جریان جنگ از طرق سیاسی پایان ندهد، باز هم طولانی تر شدن جنگ خلیج فارس کاملاً محتمل است. این جنگ با توجه به شرایط موجود همچنان ادامه خواهد یافت مگر آنکه:

۱- ایران با بسیج کلیه امکانات اقتصادی و نظامی، یک ضربه قاطع نظامی وارد آورد که خطرات سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی و پیامدهای چنین اقدامی بعضاً قابل محاسبه نیست. وارد آوردن چنین ضربه ای در درجه اول محتاج اجماعی سیاسی در زمینه تغییر استراتژی نظامی فرسودن تدریجی عراق است.

۲- ایران با استفاده توأم از روش «تهاجم صلح» و «تهاجمات محدود اما موثر نظامی» جامعه بین المللی را وادارد که در مورد عزم و اراده ایران برای ساقط کردن حکومت صدام، بدون توجه به هزینه ها، زمان لازم و خطرات افزایش تشنج در منطقه، هرگونه شک و تردیدی را به کنار نهد. چنین طرحی البته در درجه اول می باید از حیث نظامی هدف خنثی ساختن حربه اساسی عراق در جنگ را دنبال کند. این حربه عبارتست از توانایی عراق در حملات مداوم هوایی علیه تاسیسات صنعتی و نفتی کشور.

به عبارت دیگر اگر نیروهای مسلح ایران در یک طرح میان مدت موفق شوند به نحوی کارایی نیروی هوایی عراق را کاهش دهند، دستیابی به یک پیروزی سیاسی قاطع در جریان جنگ خلیج فارس با استفاده از تاکید مداوم بر عزم رهبری ایران در ساقط ساختن صدام، کاملاً میسر، ممکن و عملی است؛ زیرا در این حال نبرد میان عراق و ایران به «نبرد میان اراده ها» تبدیل می شود و در چنین نبردی قطعاً ایران که از حیث ظرفیت روحی و معنوی و همچنین پتانسیل مادی بر عراق برتری کلی دارد، پیروز خواهد بود. اوضاع و شرایط اخیر در خلیج فارس نیز این نظریه را که اگر ایران موفق شود صادرات نفتی، خطوط بازرگانی و تاسیسات حیاتی اقتصاد خود را ایمن سازد جنگ به هر حال بسود ایران تمام خواهد شد، به واقعیت نزدیک ساخته است. عراق پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ۴۵ روز از حمله به کشتی ها در خلیج فارس خودداری کرد، این در حالی بود که بغداد پس از شکست تهاجم های محدود زمینی در سومار و میمک طی همین مدت، بخوبی دریافت تنها با استفاده از شرایط موجود در خلیج فارس می تواند بحران منطقه ای موجود را بین المللی کرده و در نتیجه از فشار ایران برخوردار بکاهد. همین امر است که ما را وامی دارد تا بگوئیم هرگونه تحول در جنگ ایران و عراق، به نحوی اساسی منوط به نتیجه مبارزه بر سر کسب برتری رزمی یکی از طرفین در خلیج فارس خواهد بود.

نفت و خلیج فارس

درگیری ایران و عراق در خلیج فارس، آنگونه که گفتیم نقش تعیین کننده ای در نتیجه جنگ داشته و دارد. نیروهای مسلح ایران در اولین روزهای جنگ موفق شدند دو ترمینال نفتی عراق در دهانه بندر فاو را بلا استفاده ساخته و صادرات نفت عراق از خلیج فارس را قطع کنند. این عملیات که تاکنون به نحو موثری ادامه یافته است، عملاً قدرت صادراتی نفت عراق از طریق دریا را

از میان برد. عراق در سال ۱۹۸۱ حملات علیه نفتکش‌های حامل نفت و ترمینال‌های صادراتی ایران را با استفاده از تسهیلات و تجهیزات نظامی دریافتی از فرانسه، آغاز کرد و ایران نیز در مقابل سیاست مقابله به مثل را برگزید.

به هرحال، جنگ نفتکش‌ها و ناآرامی در خلیج فارس بر اهمیت سوق‌الجیشی تنگه هرمز تاثیر مهمی باقی گذاشته است. توهّمات موجود در مورد بسته شدن احتمالی تنگه هرمز و عدم عرضه نفت از این منطقه حساس به بازارهای بین‌المللی سبب شده تا کشورهای حاشیه این منطقه، دست به کار اقداماتی جهت انتقال نفت از طریق خطوط لوله بزنند. این موضوع گذشته از طرح‌های استراتژیکی کشورهای ساحلی این منطقه، ناشی از این تصور است که خلیج فارس در آینده صحنه اصلی درگیری میان ایران و عراق خواهد بود. اما پاسخ بدین سؤال که این اقدامات به چه میزان از اهمیت تنگه هرمز، که ایران بر آن مسلط است، خواهد کاست، محتاج به زمان است.

بررسی‌های متعددی در این زمینه به عمل آمده است که آخرین بررسی از این نوع نشان می‌دهد که در میان مدت و دراز مدت با آنکه ظرفیت خطوط لوله موجود افزایش خواهد یافت و خطوط لوله جدیدی نیز احداث خواهد شد، لیکن با

توجه به افزایش میزان وابستگی کشورهای مصرف‌کننده جهان غیر کمونیست به نفت خام خلیج فارس، انتظار می‌رود جریان عبور نفت از تنگه هرمز، در حد زیادی همچنان حفظ شود. به‌عبارت دیگر با آنکه احداث خطوط لوله ممکن است که وضعیت صادراتی برخی از کشورها را بهبود بخشد و عبور نفت از مسیرهای دیگر بجز تنگه هرمز را عملی سازد لیکن نمی‌تواند بطور کل اهمیت این ابراه مهم را از بین ببرد. با آنکه جنگ در خلیج فارس اهمیت تنگه هرمز را برای جهانیان یادآور شده است، لیکن ادامه حملات در این منطقه، کشورهای ساحلی را وامی‌دارد تا اهمیت سیاسی - ارضی این منطقه را مجدداً ارزشیابی کرده و طرح‌های توسعه ناوگان‌های نظامی، بنادر و ترمینال‌های صادراتی خود را براساس اهمیت و میزان استفاده احتمالی از این گذرگاه در آینده، طراحی و اجرا کنند. در ادامه این مقاله که بخش پایانی آن نیز هست بررسی تفصیلی بعمل آمده پیرامون نقش آتی اوپک در بازار جهانی نفت، میزان نفت صادراتی کشورهای عضو اوپک در منطقه و میزان صادرات نفت از طریق تنگه هرمز و طرح‌های در دست احداث خطوط لوله برای انتقال نفت ارائه می‌گردد که بخوبی نشانگر اهمیت منطقه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. منطقه‌ای که به هرحال، ایران در آن دست بالا را دارد.

اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز و وضعیت خطوط لوله موجود و طرح‌های در دست اقدام کشورهای حوزه خلیج فارس

ارقام جدول شماره ۲ نشان دهنده این امر است که گرچه در اثر کاهش مداوم جریان نفت از تنگه هرمز از اواخر دهه ۱۹۷۰ تاکنون، بسیاری تمایل دارند که از اهمیت این تنگه بکاهند، اما اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز چشمگیر بوده چرا که میزان انتقال نفت خام از این تنگه بار دیگر رو به افزایش گذاشته است.

مطابق ارقام جدول شماره ۲، ۳۵٫۲ درصد نفت خامی که در سال ۱۹۸۶ در سطح جهانی مورد معامله قرار گرفته، از تنگه هرمز عبور کرده است. این میزان در سال ۸۵ حدود ۲۹ درصد بوده است. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی و همچنین انستیتوی نفت آمریکا، در سال ۱۹۸۶ روزانه ۷/۶ میلیون بشکه و در سال ۱۹۸۵ روزانه ۶/۴ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز گذشته است.

براساس آمار موجود، در سال گذشته ۷۰ درصد نفتی که از تنگه هرمز عبور کرده روانه کشورهای صنعتی شده است. این میزان در سال ۱۹۷۸ حدود ۷۴ درصد و در سال ۱۹۸۵ حدود ۶۱ درصد بوده است که میزان افزایش سال ۱۹۸۶ نسبت به سال ۸۵ عمدتاً بخاطر افزایش تولید کشورهای عرب تولیدکننده نفت در خلیج فارس بوده است.

در عین حال پیش‌بینی می‌شود که در طول نیمه دوم سال ۸۷، میزان تولید نفت خام کشورهای داخل تنگه هرمز بطور متوسط روزانه ۱۱/۸۵ میلیون بشکه باشد که چنانچه میزان مصرف داخلی این کشورها روزانه ۱/۸ میلیون بشکه در نظر گرفته شود، میزان صادرات حدود ۱۰/۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

چنانچه تمامی خطوط لوله‌ای با ظرفیت کامل کار نمایند، می‌توانند ۴/۵ میلیون بشکه نفت را از خود عبور دهند که باقیمانده نفت خامی که در معرض عبور از تنگه هرمز قرار می‌گیرد به میزان ۵/۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

با احتساب ظرفیت اضافه تولید سایر کشورهای اوپک (خارج خلیج فارس) که به میزان ۱/۸۶ میلیون بشکه در روز می‌باشد و همچنین چنانچه ظرفیت اضافه تولید کشورهای غیر اوپک نیز بدان افزوده شود، این رقم می‌تواند روزانه تا حدود ۲ میلیون بشکه برسد.

بنابراین، بسته شدن تنگه هرمز کاهش عرضه نفت خامی به میزان حداقل ۳/۵ میلیون بشکه در روز را دربر خواهد داشت. از لحاظ تئوری، این میزان کاهش عرضه قاعدتاً می‌تواند بوسیله نفت خام موجود در ذخایر استراتژیکی جهان که در حال حاضر به میزان یک میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود، جبران گردد، ضمن آنکه این سیستم تاکنون هرگز بطور جدی در معرض اجرا قرار نگرفته است و این سؤال همواره مطرح است که با چه سرعتی می‌تواند عملی شود. در عین حال، میزان واردات نفت خام کشورهای مصرف‌کننده نشان دهنده این امر است که برآورد آمار موجود، در حال حاضر آمریکا تنها ۵ تا ۷ درصد نفت خام مورد احتیاج خود را از خلیج فارس تامین می‌کند. حال آنکه میزان مربوط به ژاپن بسیار بیشتر است.

حدود ۶۰ درصد می‌باشد. این بدان معنی است که در بین کشورهای مصرف‌کننده، بیشترین ضربه را ژاپن متحمل خواهد شد. به ناچار، این کشور در جهت تامین نفت خام خود به جانب تامین‌کنندگان نفت خام آمریکا و اروپا روی خواهد آورد که به معنی انتقال سریع اثرات بسته شدن تنگه هرمز به طور یکتواخت به تمامی مصرف‌کنندگان جهان است. این امر نیز ممکن است که به افزایش

وضعیت حساس خلیج فارس و اهمیت استراتژیکی عبور نفت از ابراه بسیار مهم تنگه هرمز در سالهای اخیر تحت تاثیر ادامه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بسیار افزایش یافته است. احتمالات موجود در مورد بسته شدن تنگه هرمز و عدم عرضه نفت خام کشورهای منطقه خلیج فارس به طرف کشورهای مصرف‌کننده، باعث شده است که کشورهای منطقه تحت تاثیر سیاست و نفوذ آمریکا در خلیج فارس در جهت کم اهمیت نمودن جنبه استراتژیکی تنگه هرمز گام برداشته و مطالعات اساسی به منظور احداث خط لوله‌های متعددی در جهت عرضه نفت خام خود از منطقه‌ای خارج از تنگه هرمز را آغاز کنند. قدر مسلم تحولات انجام شده و همچنین در دست اقدام در خصوص احداث خطوط لوله اهمیت تنگه هرمز را تا اندازه‌ای کاهش خواهد داد، لیکن این سؤال مطرح است که میزان این کاهش چقدر خواهد بود. مطالعات انجام شده نشانگر این مهم است که خطوط لوله فعلی و خطوط لوله‌ای که در دست احداث می‌باشند، دارای اثر کمی در وضعیت کنونی تنگه هرمز بخصوص با توجه به مساله افزایش تقاضا برای نفت خام این منطقه در سالهای آینده، خواهند بود. در این گزارش با توجه به وضعیت تقاضا برای نفت خام عبوری از تنگه هرمز، به بررسی وضعیت خطوط لوله موجود در خلیج فارس و ظرفیت آنها و همچنین طرح‌های توسعه و یا احداث این خطوط از جانب هر یک از کشورهای منطقه پرداخته شده است.

سهم اوپک در تامین نفت مورد نیاز جهان

بطور کلی تحت تاثیر کاهش میزان تقاضای نفت جهان غیر کمونیست در چند سال گذشته، سهم اوپک در تامین نفت مورد نیاز جهان نیز کاهش یافته است. اگر چه، این روند از سال گذشته تاکنون تغییر کرده است. سهم اوپک از حدود ۶۳ درصد در سال ۱۹۷۳ (بالاترین میزان خود) و ۵۹ درصد در سال ۱۹۷۹ به حدود ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۵ رسیده است. در سال گذشته تحت تاثیر تغییر موضعی سیاست اوپک داتر بر افزایش تولید، این میزان تا حدود ۳۸ درصد افزایش یافته و در شش ماه اول سال ۱۹۸۷ در حدود ۳۵ درصد بوده است.

میزان نفت خام عبوری از تنگه هرمز

تحت تاثیر کاهش میزان تقاضا برای نفت خام اوپک که عمدتاً شامل کشورهای حوزه خلیج فارس شد و همچنین افزایش میزان نفت خام حمل شده توسط خطوط لوله عربستان سعودی و عراق از طریق دریای مدیترانه (از لبنان، سوریه و ترکیه) و یا دریای سرخ (یمن)، به تناسب، سهم نفت خام عبور یافته توسط نفتکش‌ها از تنگه هرمز نیز از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ کاهش یافته است.

جدول شماره ۱ - وضعیت اوبك در تامین تقاضای جهانی نفت

میلیون بشکه در روز

۱۹۷۳	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶
۴۸/۸	۵۲/۴	۴۹/۷	۴۷/۷	۴۶/۰	۴۵/۲	۴۵/۹	۴۵/۶	۴۶/۶
۳۵/۹	۳۰/۷	۲۶/۶	۲۲/۴	۱۸/۶	۱۷/۳	۱۷/۲	۱۵/۹	۱۷/۹
۵۳	۵۹	۵۲	۴۷	۴۷	۳۸	۳۷	۳۵	۳۸

جدول شماره ۲ - میزان نفت خام صادراتی عبور یافته از تنگه هرمز

(بصورت درصدی از کل نفت خام تجارت شده)

۱۹۷۳	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶
۵۷	۶۰	۵۶	۵۲	۴۹	۲۰	۲۷	۳۲	۲۹	۳۵

جدول شماره ۳ وضعیت صادرات نفت خام کشورهای منطقه خلیج فارس

نام کشور	وضعیت	برآورد میزان تولید در نیمه دوم ۸۷	برآورد میزان مصرف داخلی	صادرات خالص	ظرفیت خطوط لوله	میزان صادرات از تنگه هرمز
عربستان		۴/۵۷	۰/۵۰	۴/۰۷	۲/۵۵	۱/۵۲
ایران		۲/۴۹	۰/۷۰	۱/۷۹	-	۱/۷۹
عراق		۲/۲۰	۰/۲۰	۲/۰۰	۲/۰۰	-
کویت		۱/۰۲	۰/۱۵	۰/۹۲	-	۰/۹۲
قطر		۰/۳۲	۰/۰۵	۰/۲۷	-	۰/۲۷
امارات		۱/۲۰	۰/۱۵	۱/۰۵	-	۱/۰۵
جمع		۱۱/۸۵	۱/۷۵	۱۰/۱۰	۴/۵۵	۵/۵۵

جدول شماره ۴ وضعیت خطوط لوله استراتژیک فعلی کشورهای خلیج فارس

نام کشور	میزان	مسیر	وضعیت بهره برداری
عراق	۱/۰۰	از طریق ترکیه به مدیترانه	در حال بهره برداری
	۰/۵۰	از طریق ترکیه به مدیترانه	نیمه دوم سال ۸۷
	۰/۵۰	اتصال به خطوط لوله پترولین سعودی به دریای سرخ	در حال بهره برداری
	۲/۰۰	کل ظرفیت عراق تا پایان سال ۸۷	
عربستان سعودی	۱/۸۵	خطوط لوله پترولین به دریای سرخ	در حال بهره برداری
	۱/۲۰	توسعه خط لوله پترولین	در حال بهره برداری
	۳/۰۵	کل ظرفیت سعودی	
جمع کل	۴/۵۵	ظرفیت خالص خطوط لوله موجود (با احتساب میزان استفاده شده عراق از پترولین سعودی)	

جدول شماره ۵ وضعیت تولیدی کشورهای غیر خلیج فارس عضو اوبك

نام کشور	وضعیت تولید	ظرفیت برآورد شده	برآورد تولید در نیمه دوم ۸۷	ظرفیت اضافه تولید
الجزایر	۰/۸۰	۰/۸۰	۰/۷۰	۰/۱۰
اکوادور	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	-
گابن	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۱۷	۰/۰۸
اندونزی	۱/۶۰	۱/۶۰	۱/۲۵	۰/۳۵
لیبی	۱/۵۰	۱/۵۰	۱/۰۵	۰/۴۵
نیجریه	۱/۸۰	۱/۸۰	۱/۳۷	۰/۴۳
ونزوئلا	۲/۱۰	۲/۱۰	۱/۶۵	۰/۴۵
جمع	۸/۰۹	۸/۰۹	۶/۲۳	۱/۸۶

قیمتهای نفت بیانجامد که بطور مساوی برای تمامی مصرف کنندگان افزایش خواهد یافت. اثر ناگهانی بسته شدن احتمالی تنگه هرمز دقیقاً همانند اثر قطع صدور نفت خام ایران در زمان انقلاب اسلامی در سال ۷۹ خواهد بود که تنها برای مصرف کنندگان سابق نفت ایران نبود، بلکه تمامی مصرف کنندگان را شامل شد.

در عین حال صرف نظر از احتمال بسته شدن و یا نشدن تنگه هرمز که انرا کوتاه مدت آن در بالا قید گردید، بایستی یادآور شد که با افزایش میزان وابستگی کشورهای مصرف کننده به نفت خام خلیج فارس، انتظار می رود که در میان مدت و دراز مدت میزان جریان نفت از تنگه هرمز باز هم افزایش یابد. تحلیلگران نفتی نیز بر این امر اتفاق نظر دارند که با احداث خطوط لوله در این منطقه، چه آنهایی که در حال حاضر مورد بهره برداری قرار گرفته و چه آنهایی که قرار است در آینده احداث شوند، نمی توان تمامی نفت صادراتی خلیج فارس را انتقال داد.

وضعیت عبوری نفتکش ها از خلیج فارس و حملات انجام شده به آنها

حملات انجام شده به نفتکش ها نیز از سال ۱۹۸۱ تا کنون، شدت بیشتری یافته است. در فاصله زمانی مه ۱۹۸۱ تا آخر دسامبر ۱۹۸۵، ۱۵۲ کشتی (عمدتاً نفتکش) مورد حمله و صدمه قرار گرفته است. این میزان به تنهایی در سال ۱۹۸۶ چشمگیرتر بوده است چه در این سال ۱۰۵ کشتی شامل ۸۰ نفتکش مورد اصابت قرار گرفته اند. از ابتدای آغاز حملات انجام شده به نفتکش ها تا ماه مه ۱۹۸۷، حدود ۱۸۱ نفتکش مورد حمله قرار گرفته است که به از بین رفتن ۹۸ ملوان و آسیب دیدن ۲۴ تن از آنها منجر شده است. در عین حال، حدود ۴۴ نفتکش که ظرفیت آنها حدود ۸/۶ میلیون تن برآورد میشود، از کل میزان نفتکش های صدمه دیده (۳۳/۸ میلیون تن) دچار خسارات کلی گردیده و از رده خارج شده اند.

ترافیک و میزان عبور کشتی ها از تنگه هرمز نیز قابل توجه می باشد. در سال ۱۹۸۶ حدود ۶۵۰۰ کشتی (عمدتاً نفتکش) از تنگه هرمز عبور نموده است. به عبارت دیگر، در سال گذشته، در هر ۸۰ دقیقه یک کشتی از این منطقه عبور کرده است. بنابراین، تعداد کشتی های صدمه دیده، نشاندهنده قسمت کوچکی از کل میزان کشتی های عبوری است.

وضعیت خطوط لوله

الف: عربستان سعودی

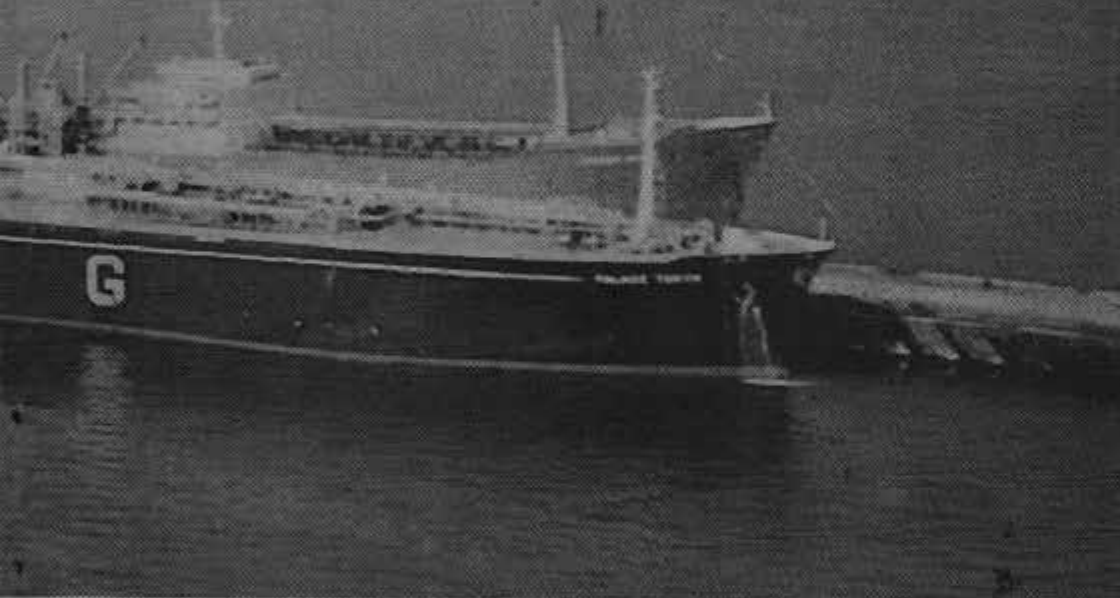
تا سال ۱۹۸۱، تمامی صادرات نفتی کشور عربستان سعودی از ترمینال هایی واقع در خلیج فارس که توسط شرکت نفتی آرامکو اداره می شد، ترمینال های راس التنوره و جعیمه، صورت می گرفت. علاوه بر این، دو ترمینال کوچکتر نیز در خلیج فارس و در منطقه بی طرف، یعنی جایی که از لحاظ ملکیت مابین سعودی و کویت تقسیم گردیده است قرار داشته که از این دو ترمینال نیز صادراتی صورت میگرفت: ترمینال «میناسعود» که توسط شرکت نفتی «گتی او بل» اداره می شد و دیگری ترمینال «راس الخفجه» که شرکت نفت عرب آنرا اداره می کرد.

در ژوئیه ۱۹۸۱، ترمینال جدیدی در بندر بنبع واقع در سواحل دریای سرخ مورد بهره برداری قرار گرفت. نفت خام برای رسیدن به این ترمینال از طریق خط لوله اصلی شرقی - غربی پترولین فرستاده می شد. این خط لوله ۴۸ اینچی بطول ۱۲۷۰ کیلومتر با ظرفیت ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز بندر بنبع را به حوزه های نفتی «عقیق» و «قوار» می رسانید. در سال ۱۹۸۵، تصمیم گرفته شد که مطابق برنامه اصلی قبلی طرح، در جهت دوبرابر شدن ظرفیت این خط و رساندن آن به ظرفیت ۳/۷ میلیون بشکه در روز اقدام شود که البته پس از کارهای انجام شده، ظرفیت واقعی آن تا ۳/۰۵ میلیون بشکه در روز رسیده است.

در این میان، عراق نیز از این خط لوله عربستان استفاده کرده و در جهت رساندن نفت خود به دریای سرخ اقدام نموده است. پس از بسته شدن خط لوله عبوری از خاک سوریه و عدم اجازه این کشور به رسیدن نفت عراق به ترمینال های نفتی سوریه و لبنان، تنها منبع صدور نفت عراق، استفاده از خط لوله «دورتیول» ترکیه بود. پس از این امر، عراق اجازه سعودی به استفاده از خاک این کشور در جهت ایجاد خط لوله و همچنین ترمینالی مستقل در دریای سرخ طی یک پروژه دو مرحله ای را کسب کرد. مرحله اول پروژه، کشیدن خط لوله ای

اتصال به خط لوله پترولین عربستان و استفاده از این خط لوله با ظرفیت حداکثر ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود که این مرحله در سپتامبر ۱۹۸۵ عملی شد

*** برخی از ناظرین بین‌المللی معتقدند که باتوجه به طولانی شدن جنگ، این قدرت اقتصادی و توان تأمین مخارج نبرد است که سرانجام سرنوشت جنگ خلیج فارس را روشن خواهد کرد.**



ترمینال صادراتی «ینبع» در دریای سرخ

و تا آخر سال ۸۶ روزانه حدود ۳۵۰ هزار بشکه در روز توسط عراق از این خط لوله فرستاده شده که با توجه به توسعه خط لوله پترولاین عربستان و رسیدن ظرفیت آن از ۱/۸۵ به ۳/۰۵ میلیون بشکه در روز، در حال حاضر با توجه به قرار قبلی، عراق روزانه تا ۵۰۰ هزار بشکه از این خط در جهت رساندن نفت خود به دریای سرخ اقدام می‌نماید.

مرحله دوم پروژه عراق هنوز در دست اقدام است و احتمالاً در اواخر سال ۸۸ و یا اوایل سال ۱۹۸۹ ممکن است عملی گردد و آن کشیدن خط لوله مستقلی به موازات خط لوله پترولاین عربستان به ترمینال مستقلی در نزدیکی بندر ینبع واقع در دریای سرخ است.

با توجه به فعال شدن خط لوله پترولاین در پالهای اخیر، خط لوله قدیمی «تاهلین» عربستان که نفت سعودی را مستقیماً تا دریای مدیترانه می‌برد به تدریج از سال ۱۹۸۳ تا کنون بسته شده است.

خط لوله تاهلین

شرکت خط لوله عبوری از عربستان (تاهلین) که یکی از شرکت‌های وابسته آرامکو می‌باشد، خط لوله‌ای را به طول ۱۲۱۳ کیلومتر که حوزه‌های نفتی سعودی را به ترمینال «ظهرانی» لبنان واقع در دریای مدیترانه می‌رساند، در سال ۱۹۵۰ مورد بهره‌برداری قرار داد. این خط لوله به طول ۸۶۷ کیلومتر در خاک سعودی، ۱۱۷ کیلومتر در خاک اردن، ۱۲۷ کیلومتر در خاک سوریه و ۴۲ کیلومتر در خاک لبنان قرار دارد.

خط لوله تاهلین دارای ظرفیت عملیاتی ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود، لیکن تا سال ۱۹۷۵ تنها نفت خام مورد نیاز پالایشگاه‌های ظهرانی (لبنان) و زرقه (اردن) را تأمین می‌کرده که به معنی کارکردی با حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد ظرفیت عملیاتی آن بوده است. تصمیم اتخاذ شده در مورد بستن قسمت لبنانی این خط لوله در تاریخ ۱۱ مارس ۱۹۸۳ به مورد اجرا درآمد. تمامی ۸۹ تن کارکنان تاهلین در لبنان بیکار شده و تاهلین وارد مذاکره با دولت لبنان در مورد وضعیت ترمینال خود و تاسیسات موجود در ظهرانی گردید. این مساله باعث شد که تقریباً امکان اینکه خط لوله مجدداً در آینده مورد بازگشایی قرار گیرد، ضعیف بنظر برسد.

در عین حال، تنها قسمت لبنانی مربوط به خط لوله بطور قطع بسته شده است. آن قسمت از خط لوله پس از آن در جهت حمل آب برای آبیاری و عرضه به نیروگاهها مورد استفاده قرار گرفت. اردن هنوز از طریق تاهلین نفت دریافت می‌کند. در سپتامبر ۱۹۸۲ دولت اردن موافقت نامه‌ای را با شرکت خط لوله عبوری عربستان (تاهلین) منعقد نمود که بموجب آن پالایشگاه زرقه روزانه به میزان ۶۰ هزار بشکه نفت مورد نیاز خود را از این خط لوله دریافت کند.

در سال ۱۹۷۵ دولت سعودی صادرات نفت از طریق ترمینال ظهرانی را بدلیل اینکه دیگر اقتصادی نبود، متوقف کرد. در نتیجه، موافقت نامه جدیدی با پالایشگران لبنانی در جهت عرضه نفت خام مورد نیاز آنها، مورد مذاکره قرار گرفت که از اول ژانویه ۱۹۷۷ به مورد اجرا گذاشته شد. در اوایل سال برگزاری کنفرانس اوپک در دوحه (قطر)، پالایشگاه سوم لبنان، در تریپولی (شمال لبنان) که تا آن موقع توسط نفت خام عراق، که از طریق خط لوله کرکوک - بانیا / تریپولی حمل می‌گردید، تأمین می‌شد، درخواست عرضه نفت خام سعودی را که به مراتب ارزان‌تر از نفت خام عراق بود، نمود.

لیکن شرکت تاهلین مجبور شد که تحت تأثیر چند سری حملات هوایی به پالایشگاه ظهرانی توسط اسرائیل، که از ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۱ آغاز گردید، عرضه نفت خام خود به این پالایشگاه را متوقف کند. این حملات، صدمات و خسارات بسیاری را به این پالایشگاه وارد ساخته و باعث شد که برای چند ماه عملیات خود را متوقف نماید. علاوه بر این، پلی که جنوب لبنان را به سایر نقاط کشور متصل می‌ساخت نیز تحت تأثیر این حملات صدمه دیده و از بین رفته و این مساله ارتباط با پالایشگاه را قطع کرد. این امر به کمبود بسیار زیاد فرآورده‌های نفتی مورد نیاز کشور منجر شد و باعث شد که دولت لبنان از سوریه بخواهد که مقادیری فرآورده را از پالایشگاه خود در بانیا به لبنان عرضه کند. مقادیری فرآورده نیز از کشورهای دیگر وارد شد.

از آن تاریخ تا کنون هیچ میزان نفتی از طریق خط لوله تاهلین به پالایشگاه

ظهرانی ارسال نشده است و حتی پس از گشایش مجدد پالایشگاه در نوامبر ۱۹۸۲، این پالایشگاه، نفت مورد نیاز خود را با کشتی از عربستان تأمین می‌کند. در حال حاضر تحت تأثیر اشکالات فنی و عملیاتی، کارکرد این پالایشگاه روزانه ۱۲۵۰۰ بشکه در روز است و نیازهای آن از نفت خام کرکوک عراق و سایر نفت خام‌هایی که از بازار تک محموله خریداری می‌شود تأمین می‌گردد.

بهر حال، بایستی خاطر نشان ساخت که خط لوله تاهلین عربستان در شرایط اضطراری می‌تواند مجدداً مورد گشایش قرار گرفته و با کمی کار جانبی در زمینه‌های فنی و نگهداری و توافق با سوریه در مورد حق ترانزیت جدید عبور نفت، فعالیت خود را از سرگیرد، اگرچه بطور کامل مشخص نیست که آیا قادر خواهد بود با حداکثر ظرفیت ۵۰۰ هزار بشکه‌ای خود کار کند.

خط لوله عبیق - ینبع (پترولاین)

در فوریه ۱۹۷۷، شرکت «پترومین» از شرکت خط لوله خارجی موبیل درخواست کرد که طراحی خط لوله‌ای را که حوزه‌های نفتی «عبیق» را به ینبع واقع در دریای سرخ متصل می‌کند، بعهده بگیرد. این پروژه نهایتاً در ژوئن ۱۹۷۸ از جانب دولت سعودی مورد تصویب قرار گرفت.

پترولاین، خط لوله‌ای به طول ۱۲۰۰ کیلومتر و به قطر ۴۸ اینچ بود که دارای ظرفیتی به میزان ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز بود. پروژه که هزینه آن ۱/۶ میلیارد دلار بود، به دو قسمت تقسیم شد. کنسرسیوم آمریکایی - لبنانی «سدکو - کمت» که ساخت ۵۳۰ کیلومتر اول از خط ینبع را بعهده داشته و شرکت «سایم» که ساخت مابقی ۶۷۰ کیلومتر مسیر را بعهده داشت.

پترولاین، مطابق برنامه، از اول ژوئیه ۱۹۸۱ آماده بهره‌برداری شد. پس نفت با میزان ۵۰ هزار بشکه در روز آغاز شد و بتدریج تا ۱/۲۵ میلیون بشکه در روز در اوایل ۱۹۸۲ رسید. طرح‌های توسعه ظرفیت این خط لوله تا حدود ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز تا آوریل ۱۹۸۲ تحت تأثیر عدم موافقت شرکت‌های خارجی به برداشت نفت بجای راس‌التنوره از ینبع متوقف ماند، چه از آنها بشکه‌ای ۶۰ سنت اضافه بابت هزینه فرستادن نفت ینبع را درخواست نموده بودند. سرانجام، مقامات سعودی این میزان درخواستی را در اول دسامبر ۱۹۸۲ تا ۵۰ سنت در هر بشکه کاهش داده و حتی این میزان را در آوریل ۱۹۸۳ تا ۲۵ سنت برای هر بشکه نیز رساندند. این امر بطور قطع تأثیر ارزش عرضه نفت و حمل آن تا ینبع را از بین می‌برد لیکن باعث شد که از آن پس نفت بیشتری از ترمینال دریای سرخ صادر شود.

توسعه خط لوله پترولاین

در نتیجه تمایل خریداران به برداشت نفت از ینبع، برنامه‌های توسعه ظرفیت خط لوله پترولاین اگرچه برای مدتی دستخوش تعویق گردید، لیکن مجدداً از سال ۱۹۸۴ فعال شد. در اوت ۱۹۸۴، از شرکت «فلور» خواسته شد که مطالعاتی را در زمینه امکان احداث خط لوله دیگری در جوار و موازات خط لوله پترولاین آغاز کند. در آن مرحله، هنوز مشخص نبود که آیا منظور از

*** بغداد پس از شکست تهاجم‌های محدود زمینی در سومار و میمک دریافت که تنها با استفاده از شرایط موجود در خلیج فارس می‌تواند بحران منطقه‌ای موجود را بین‌المللی کرده و از فشار ایران بر خود بکاهد.**

دو سال به احداث خط لوله مستقلی به ظرفیت ۱/۶ میلیون بشکه در روز که «رومیله» را مستقیماً به دریای سرخ و به ترمینال مستقلی در نزدیکی ینبع وصل می‌کند اقدام نماید.

ترمینال واقع در خشکی «ینبع» پترومین عربستان شامل ۱۱ انبار ذخیره نفت هر یک به ظرفیت یک میلیون بشکه است. حال آنکه ترمینال واقع در دریا (فلات قاره) آن در همین ناحیه دارای ۳ بازو برای اتصال و بارگیری نفتکش‌هایی به ظرفیت ۲۷۵ هزار تن با سرعت بارگیری به میزان ۱۳۰ هزار بشکه در ساعت می‌باشد.

بطور کلی، در چشم‌انداز اول ممکن است که احداث خط لوله پترولاین و رساندن نفت به دریای سرخ مفهومی سیاسی در جهت اجتناب از عبور نفت از تنگه هرمز و همچنین از مرزهای کشورهای دیگر به نظر آید. لیکن بایستی بخواطر داشت که نفت برداشتی از ترمینال ینبع واقع در دریای سرخ میبایستی از کانال سوئز و یا باب‌المنندب عبور نموده و یا اینکه از طریق خط لوله «سومد» مصر به مدیترانه فرستاده شود. بنابراین ممکن است که خود خط لوله بخواطر اینکه تماماً در خاک سعودی قرار دارد از تعارضات سیاسی، بدور باشد لیکن نفت صادراتی از آن می‌تواند تحت تاثیر تشنجات و تغییرات سیاسی نظامی منطقه قرار گیرد.

وضعیت خطوط لوله عربستان سعودی (میلیون بشکه در روز)

ظرفیت کل	ظرفیت کنونی	
خط لوله تاپلین به لبنان	۰/۵۰	از فوریه ۱۹۷۵ بسته شده است
خط لوله اول پترولاین به دریای سرخ توسعه خط لوله پترولاین	۱/۸۵ ۱/۲۰	۵۰۰ هزار بشکه آن توسط عراق استفاده میشود.
جمع	۲/۰۵	۲/۰۵

ب- عراق

در سال ۱۹۲۷، پس از کشف نفت در نزدیکی کرکوک، عراق به کشیدن دو خط لوله ۱۲ اینچی به ترمینالهای صادراتی تریپولی لبنان (واقع در ۵۳۴ مایلی) و حیفا در سال ۱۹۳۴ اقدام نمود. پس از جنگ جهانی دوم، دو خط لوله ۱۶ اینچی به موازات یکدیگر ساخته شد، لیکن تحت تاثیر جنگ اعراب و اسرائیل، خط لوله حیفا، هیچگاه تکمیل نشد و از مرز اسرائیل فراتر نرفت، در حالیکه عبور نفت از شاخه ۱۲ اینچی جنوبی نیز قطع گردید. در سال ۱۹۵۲ خطوط لوله ۱۲ و ۱۶ اینچی شمالی با دو خط لوله به قطر ۳۰ و ۳۲ اینچ الصاق گردید و به صدور نفت خام از کرکوک به ترمینال بانیا س سوریه (بفاصله ۵۵۵ مایل) با ظرفیت ۴۸ میلیون تن در سال پرداخت. به منظور توانا ساختن صدور نفت خام حوزه کرکوک از طریق ترمینال های خلیج فارس، خط لوله ای نیز در سال ۱۹۷۷ کشایش یافت که نفت خام کرکوک را به بندر «سیهان» (ترکیه) واقع در شرق مدیترانه می‌رساند.

در پایان سپتامبر ۱۹۸۵، عراق خط لوله جدیدی را به خط لوله پترولاین عربستان (که به دریای سرخ می‌رود) با ظرفیت صادراتی روزانه ۵۰۰ هزار بشکه، اتصال داد. برای حدود سه سال و نیم پس از آوریل ۱۹۸۲ بود که عراق تحت تاثیر تصمیم سوریه دانه بر قطع روابط دیپلماتیک با این رژیم و نیز مسدود ساختن خط لوله ای که حوزه های نفتی عراق را به ترمینال های بانیا س (سوریه) و طرابلس (شمال لبنان) واقع در دریای مدیترانه وصل می‌کرد، تنها از خط لوله کرکوک به دورتیول (ترکیه) استفاده می‌نمود. ترمینال دریایی واقع در فاو (خلیج فارس) بسیار سریع پس از حمله این رژیم به خاک ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ توسط جمهوری اسلامی غیر قابل استفاده شد و از بین رفت. از رده خارج شدن این ترمینال باعث شد که ظرفیت صادراتی عراق به میزان ۱/۱ میلیون بشکه در روز یعنی حدود ۴۰ درصد کاهش یابد.

تحت این شرایط، در آغاز سال ۱۹۸۶، ظرفیت صادراتی عراق به یک میلیون بشکه در روز از طریق دورتیول و ۵۰۰ هزار بشکه در روز از طریق ینبع رسید. البته تقریباً در قسمت عمده سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ عراق تنها قادر بود که روزانه کمتر از ۷۰۰ هزار بشکه از طریق خط لوله کرکوک- دورتیول صادر کند



توسعه خط لوله پترولاین، دو برابر ساختن ظرفیت ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز این خط لوله است و یا میزان کمتری مورد نظر است، لیکن پس از آن گفته شد که قصد دو برابر ساختن ظرفیت خط لوله می‌باشد.

علاوه بر این تا آخر سال ۱۹۸۴ بنظر رسید که دولت عربستان سعودی توسعه خط لوله پترولاین را با فوریت زمانی مدنظر دارد و مناقصه های لازم در خصوص کارهای پیشنهادی توسعه تا آخر سال آماده گردید. آرامکو، از جانب پترومین مسئولیت اجرایی پروژه را بعهده داشته و این شرکت مذاکرات خود با تعدادی از شرکت های ژاپنی و اروپایی را تا اوایل نوامبر ۱۹۸۴ در جهت عرضه ۵۰۰ هزار تن لوله با ظرفیت ۴۸ تا ۵۶ اینچ انجام داد. مطالعات انجام شده توسط شرکت «فلور» افزایش ظرفیت خط لوله را در مرحله اول تا ۲/۴۵ میلیون بشکه و پس از آن تا ۳/۷ میلیون بشکه در روز خاطر نشان می‌شد.

قراردادهای مربوط به عرضه لوله های مورد نیاز نیز در اوایل سال ۱۹۸۵ منعقد گردید و چهار شرکت ژاپنی «نیپون استیل»، «نیپون کوکان»، «سومی تومو» و «کاوزاکی استیل» مناقصه مربوط را با مبلغی به میزان ۱۱۵ میلیون دلار در جهت عرضه ۳۱۵ هزار تن لوله به قطر ۵۶ اینچ برنده شدند. ۱۴۰ هزار تن دیگر از لوله ها به شرکت ملی لوله سازی که شرکتی مرکب از گروه «سومی تومو» ژاپن و شرکت های خصوصی سعودی بود سفارش داده شد و همچنین عرضه ۱۰۰ هزار تن دیگر از لوله ها را نیز شرکت «فین ساید» ایتالیا بعهده گرفت. عرضه لوله ها در آوریل ۱۹۸۵ آغاز شد و تا اکتبر همان سال قسمت عمده آن انجام شد. اگرچه خط لوله جدید دارای قطری به میزان ۵۶ اینچ (خط اول با قطر ۴۸ اینچ) می‌باشد، سایر تأسیسات فنی خط لوله با ظرفیت مشابه خط لوله قبل بوده و از تلمبه خانه های خط لوله اول استفاده می‌شود، لیکن ظرفیت آن که در ابتدا قرار بود به میزان خط اول یعنی ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز باشد کمتر و به میزان ۱/۲۰ میلیون بشکه در روز است. بگونه ای که کل ظرفیت خط تا ۳/۰۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. شرکت های وابسته داخلی، سه شرکت بزرگ آمریکایی (فلور عربستان- بکتل عربستان و براون اندرو) پیشنهادی را در سال ۱۹۸۵ در جهت توسعه ۱۱ تلمبه خانه فعلی و تأسیس ارتباطات لازمه در مورد خط، ارائه کردند.

مناقصه مربوط به انجام پروژه دومین خط لوله در ماه مه ۱۹۸۵ قطعی شد و قرار شد که قسمت شرقی بوسیله کنسرسیومی متشکل از شرکت «مانیسمن» آلمان غربی و یک شرکت لبنانی لوله گذاری شده و قسمت غربی بوسیله شرکت «سایم» ایتالیا به مورد اجرا گذاشته شود.

توسعه خط لوله «پترولاین» مستقیماً با توجه به این مسأله که فرار است قسمتی از آن در جهت حمل نفت عراق به ینبع صورت پذیرد، نبوده و تقریباً دو برابر ساختن ظرفیت قبلی آن، جدای از پیش بینی نیاز واقعی، ملاحظات استراتژیک بلندمدت را از جانب سعودی ها در برداشته و بالا بردن توانایی صدور نفت از طریق دریای سرخ را در نظر داشته است. شاخه اتصالی خط لوله عراق، حوزه های نفتی مناطق جنوبی واقع در «رومیله» را به تلمبه خانه شماره ۳ خط لوله پترولاین با ظرفیت اولیه روزانه ۳۵۰ هزار بشکه و ظرفیت کنونی ۵۰۰

هزار بشکه در روز وصل نموده و از طریق خط لوله عربستان، به ینبع سرازیر می‌گردد. این ترتیبات جنبه موقتی داشته و قرار است که عراق طی مدت

* در صورت بسته شدن تنگه هرمز، بازار جهانی نفت با کاهش عرضه‌ای به میزان حداقل ۳/۵ میلیون بشکه در روز مواجه خواهد شد.

* وضعیت خاص خلیج فارس و بالا گرفتن تشنجات موجود باعث شد که از سال ۸۱ به بعد، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در صدد احداث خط لوله‌ای برای دور زدن تنگه هرمز باشند.

* ۳۵ درصد نفت خامی که در سال ۱۹۸۶ در سطح جهان معامله شده، از تنگه هرمز عبور کرده است.

* در یک سال اخیر از دید «روابط خارجی» هیچگونه تحول قاطعی که بتواند برخی از متحدین یکی از طرفین درگیر را جذب طرف مقابل سازد و یا آن متحد را بی طرف نماید، رخ نداده است.

ظرفیت این خط لوله در بهار ۱۹۸۴ تا ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت و در اوت همان سال به یک میلیون بشکه در روز رسید.

مرحله دوم خط لوله عراق به عربستان، به عراق این اجازه را می‌دهد که از خط لوله و ترمینالی مجزا در نزدیکی ترمینال ینبع برخوردار باشد. چنانچه این خط لوله آماده بهره‌برداری گردد، دارای ظرفیتی به میزان ۱/۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود. علاوه بر این، خط لوله جدیدی نیز به موازات خط لوله کنونی کرکوک - دورتیول به ظرفیت ۵۰۰ هزار بشکه در روز در حال حاضر آماده بهره‌برداری شده است که ظرفیت خط لوله ترکیه را مجموعاً به ۱/۵ میلیون بشکه در روز رسانیده است. بنابراین در پایان سال جاری، عراق قدرت صادرات روزانه حدود ۲ میلیون بشکه نفت را از خطوط لوله ترکیه و عربستان خواهد داشت.

ایده ساختن خط لوله‌ای که حدیثه (عراق) را به بندر عقبه (اردن) وصل می‌کند، نیز در سال ۱۹۸۴ مجدداً مطرح شد. این پروژه ساخت خط لوله‌ای به طول ۹۲۰ کیلومتر با ظرفیت اولیه ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود که بتدریج تا یک میلیون بشکه در روز افزایش می‌یافت. هزینه این طرح ۹۷۰ میلیون دلار بود که قسمت عمده‌ای از آن توسط «بانک صادرات - واردات» آمریکا تضمین می‌شد. در نوامبر ۱۹۸۴، وزیر خارجه رژیم عراق در واشنگتن اعلام کرد که این پروژه بعثت اینکه بسیار تحت تاثیر حملات اسرائیلی‌ها قرار دارد، کنار گذاشته شده است.

خط لوله کرکوک - بانیا - طرابلس

خط لوله‌ای که حوزه‌های نفتی کرکوک عراق را به ترمینال‌های بانیا (سوریه) و طرابلس (لبنان) واقع در دریای مدیترانه وصل می‌کند و دارای ظرفیتی معادل ۱/۴ میلیون بشکه در روز است، پس از مشاجرات گاه و بیگاه موجود در زمینه حق ترانزیت نفت خام عبوری، در ۱۰ آوریل ۱۹۸۴ پس از اینکه سوریه روابط دیپلماتیک خود را با عراق قطع کرد، از جانب سوریه بسته شد. پیش از این نیز این خط لوله چندین بار تحت تاثیر سیاست‌های سوریه - عراق مورد تهدید قرار گرفته و بسته شده بود.

اولین خط لوله ۱۲ اینچ کرکوک به مدیترانه در سال ۱۹۳۴ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. خط لوله ۱۶ اینچ دیگری در سال ۱۹۵۱ بدان افزوده شد و ظرفیت این خط لوله را تا ۶ میلیون تن در سال رسانید.

در سال ۱۹۵۲ خط لوله جدیدی گشایش یافت که فاصله ۵۵۵ مایلی کرکوک به بانیا را در مقایسه با ۵۳۳ مایل خط اصلی طی می‌کرد، ظرفیت عبوری این دو خط لوله با افزودن خط لوله ۳۰ اینچ دیگری به ترمینال طرابلس افزایش یافت.

در سال ۱۹۶۶، سوریه حق ترانزیت عبور نفت را بالا برد و این تصمیم را عطف به ماسبق کرد و براساس این تصمیم خواستار پرداخت مخارج مربوط به سالهای گذشته نیز شد و تا حصول این امر، خط لوله عبوری را مسدود کرد. پس از مذاکرات انجام شده این خط مجدداً آغاز به کار نمود. در سال ۱۹۷۲، سوریه و عراق خطوط لوله مذکور را ملی اعلام کردند عراق در اول ژوئن این سال نفت خود را نیز ملی اعلام کرد. در آن زمان نفت خام مناطق شمالی عراق از طریق خط لوله سوریه صادر می‌شد. چنانی بعد سوریه مجدداً تقاضای سه برابر شدن میزان حق ترانزیتی که قبلاً شرکت‌ها می‌پرداختند را مطرح کرد. پس از گفتگوهای انجام شده و تهدید سوریه به توقف خط در سال ۱۹۷۳ عراق با دو برابر شدن حق ترانزیت موافقت کرد و قراردادی به امضاء دو طرف رسید. براساس این قرارداد ۱۵ ساله، عراق ملزم به صادرات نفت خام تولیدی مناطق شمالی خود از طریق سوریه شد که بابت هر بشکه نفت خام عبوری که به بانیا می‌رفت حق ترانزیتی را به میزان ۴۱ سنت و بابت هر بشکه نفت خامی که از طریق طرابلس صادر می‌شد می‌بایستی که حق ترانزیتی به میزان ۳۰ سنت را

به سوریه می‌پرداخت.

عراق همچنین مسئولیت تأمین نفت خام مورد احتیاج پالایشگاه «هرمز» و همچنین تمامی نفت مورد احتیاج مصرف داخلی سوریه را، براساس قیمت توافق شده که تقریباً قیمت نفت خام در بانیا منهای هزینه‌های حمل و نقل بود بعهده گرفت.

در سال ۱۹۷۵ سوریه تقاضای تجدید نظر در وضعیت مالی قرارداد و بالا رفتن میزان حق ترانزیت را کرد. مذاکرات انجام شده در این خصوص با بن بست همراه شده و این امر منجر به این شد که در آوریل ۱۹۷۶ عراق جریان عبور نفت را متوقف نماید. این مساله باعث شد که سوریه سالانه در آمدی را به میزان ۱۳۶ میلیون دلار از دست بدهد. در همین حال عراق به تکمیل خط لوله خود که حوزه‌های نفتی کرکوک را به ترمینال‌هایی در خلیج فارس متصل می‌کرد ادامه می‌داد.

در فوریه ۱۹۷۹ موافقت نامه دیگری مابین عراق و سوریه به امضاء رسید. این موافقت نامه یاد آور می‌شد که عراق بایستی سالانه حداقل ۱۰ میلیون تن و حداکثر ۲۰ میلیون تن نفت را از طریق سوریه عبور بدهد. سوریه نیز اجازه می‌یافت که در سال ۱۹۷۹ به میزان ۳/۵ میلیون تن و در سال ۱۹۸۰ به میزان ۵ میلیون تن از نفت عبوری را در جهت مصرف در پالایشگاه‌های داخلی خود برداشت نماید. قیمت نفت خام خریداری شده قیمت رسمی نفت خام عراق در بانیا بود. علاوه بر این، سوریه بابت هر بشکه نفت خام عبوری از خاک خود، حق ترانزیتی به میزان ۳۵ سنت را دریافت می‌داشت که این میزان تا قبل از بسته شدن این خط لوله تا ۴۲ سنت برای هر بشکه نیز رسید.

حق ترانزیتی که بابت صدور نفت به سوریه پرداخت می‌شد، معادل حق ترانزیتی بود که عراق بابت صدور نفت خود به ترکیه پرداخت می‌کرد. این در حالی بود که در آن زمان، عراق نفت بیشتری را از طریق کرکوک - دورتیول (ترکیه) صادر می‌کرد.

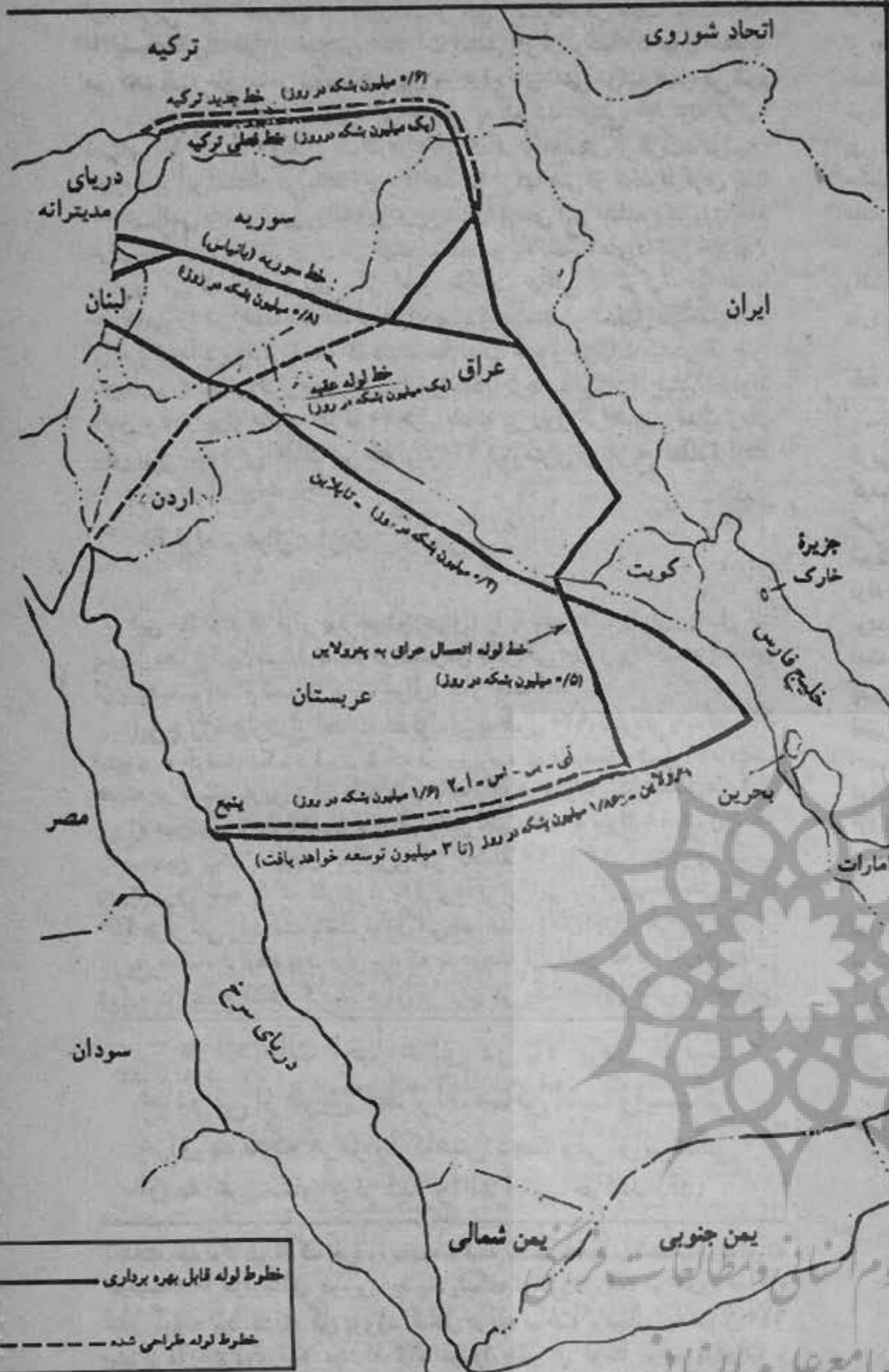
پس از گشایش مجدد خط لوله کرکوک - بانیا در اوایل سال ۱۹۸۱، حجم نفت خامی که از آن عبور می‌کرد، تنها ۷۰۰ هزار بشکه در روز بود. لیکن بنا به ادعای وزیر نفت سوریه میزان آن روز به روز متفاوت بود و متوسط آن از ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز بالاتر رفت. سوریه، روزانه صد هزار بشکه از این میزان را در جهت مصرف پالایشگاه‌های داخلی خود در بانیا و هرمز، با پرداخت قیمت رسمی آن، برداشت می‌کرد.

در ابتدای سال ۱۹۸۲، روابط سوریه و عراق بشدت تیره شد و در مارس همان سال سوریه قراردادی در جهت دریافت روزانه ۱۸۰ هزار بشکه نفت خام از ایران به امضاء رسانید. در دهم آوریل ۱۹۸۲، چند روز پس از رسیدن اولین محموله نفت خام ایران، بحران روابط سوریه و عراق شدت یافته و به قطع روابط دیپلماتیک از جانب سوریه منجر شد. این مساله باعث شد که خط لوله کرکوک - بانیا نیز مسدود شود. بسته شدن این خط لوله موجب شد که عراق ۵۰ درصد از درآمد نفتی خود را از دست داده و تمامی اتکالی این رژیم به صادرات نفت از خط لوله‌ای که حوزه‌های نفتی کرکوک را به بندر دورتیول ترکیه وصل می‌کرد، معطوف شود و از آن زمان تاکنون خط لوله سوریه مسدود مانده است.

خط لوله کرکوک - دورتیول (ترکیه)

این خط لوله در چهارم ژانویه ۱۹۷۷ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. لیکن عملیات صدور نفت از آن تحت تاثیر اختلافات مابین عراق و ترکیه، تاکنون چندین بار با اشکال همراه و قطع شده است. برای مثال، در ژانویه ۱۹۷۹ عراق از فرستادن نفت اجتناب ورزید چه مدتی بود که ترکیه به میزان ۳۰۰ میلیون دلار از نفت خام صادراتی را برداشت نموده و پول آنرا پرداخت نکرده است.

وضعیت خطوط لوله کشورهای منطقه خلیج فارس



عملیات صدور پس از دو سال در پی امضاء موافقت نامه‌ای مابین عراق - ترکیه دال بر بازپرداخت دیون از جانب ترکیه و همچنین پرداخت نقدی بهای نفت خامی که از آن پس برداشت می‌گردد، مجدداً از سر گرفته شد. از سپتامبر ۱۹۷۹ ترکیه بهای نفت خام برداشتی خود را نقداً پرداخت می‌کرد، حال آنکه قسمتی از دیون خود را با ارائه کالا (بویژه با صادرات گندم) به عراق طی دوره‌ای که تا آخر سال ۱۹۸۱ ادامه داشت، پرداخت کرد.

این خط لوله که به طول ۹۲۰ کیلومتر و به قطر ۴۰ اینچ بود ۷۲۰ کیلومتر از مسیر خود را در خاک ترکیه می‌پیمود و حوزه‌های شمالی عراق را به ترمینال «سیهان» در بندر مدیترانه‌ای «دورتیول» ترکیه متصل می‌کرد. موافقت نامه‌ای در تاریخ ۲۷ اوت ۱۹۷۳ مابین ترکیه و عراق به امضاء رسید که طی آن قرار شد عراق بابت هر بشکه نفت خام صادراتی حق ترانزیتی به میزان ۳۵ سنت رابه ترکیه بپردازد و به ترکیه این اجازه را داد که بتواند تا ۴۰ درصد نفت خامی را که از خط لوله می‌گذرد برداشت کند.

با تکمیل کارهای مربوط به اضافه شدن امکانات و تاسیسات پمپاژ نفت، ظرفیت خط لوله در اوت ۱۹۷۸ تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. پس از آن، در تابستان ۱۹۸۲ ترکیه و عراق موافقت کردند به خاطر جبران کاهش میزان صادرات نفت عراق از طریق سوریه و لبنان، ظرفیت خط لوله را تا یک میلیون بشکه در روز توسعه دهند. کارهای مربوط به توسعه به شرکت ترکیه‌ای «انکا» تحت قراردادی به میزان ۷۰ میلیون دلار واگذار گردید. با در نظر گرفتن هزینه‌های مربوط به تاسیسات و امکانات بهبود خط کل هزینه‌های مربوطه تا حدود ۱۲۰ میلیون دلار بالغ می‌شود با وجودی که کارهای توسعه مطابق آنچه که برنامه ریزی شده بود انجام نگردید، لیکن ظرفیت خط لوله در اوایل سال ۱۹۸۴ تا ۹۰۰ هزار بشکه در روز و در اوت همان سال به میزان مورد هدف یک میلیون بشکه در روز رسید.

حتی قبل از اینکه عملیات مربوط به توسعه خط آغاز شود نیز ظرفیت خط لوله با استفاده از اضافات شیمیایی، در جهت پائین آوردن درجه «ویسکاسیتی» نفت، افزایش یافته بود. تا جاییکه در نیمه اول سال ۱۹۸۳، نفت خام ارسال شده از کرکوک به دورتیول روزانه تا حدود ۶۹۰ هزار بشکه افزایش یافته و این رقم در نیمه دوم همان سال به ۸۲۵ هزار بشکه در روز رسید.

در عین حال حرکت ناگهانی زمین در «ادانا» واقع در قسمت جنوبی ترکیه در تاریخ ششم مارس ۱۹۸۷ باعث شد که در انجام کار این خط لوله وقفه‌ای موقتی صورت پذیرد و طی آن این خط در نقطه‌ای مابین دو شهر عثمانیه و باحسه در ۵۰ کیلومتری شرق بندر «سیهان» دچار شکستگی شد. بناچار عملیات پمپ کردن نفت سریعاً متوقف شد و پس از تکمیل این خط لوله مجدداً در تاریخ سیزدهم مارس آغاز به کار کرد. این اتفاق ناگهانی باعث شد که مقامات ترکیه در صدد تغییر مسیر خط لوله در ناحیه وقوع حادثه برآمده و قرار شده است که مسیری به طول ۱۳/۵ کیلومتر از خط لوله در نزدیکی شهر جنوبی ادانا تغییر مسیر دهد.

توسعه خط لوله ترکیه

در عین حال، ترکیه و عراق توافق کرده‌اند که ظرفیت خط لوله یک میلیون بشکه‌ای در روز کرکوک - دورتیول را توسعه دهند. این توسعه با قراردادن خط لوله‌ای به موازات خط لوله اول صورت می‌گیرد و میدان‌های نفتی شمال عراق را به ترمینال «سیهان» واقع در سواحل مدیترانه‌ای ترکیه وصل می‌کند. این خط لوله به طول ۹۸۰ کیلومتر و دارای ظرفیتی معادل ۵۰۰ هزار بشکه در روز و در مجاورت و موازات خط لوله اول خواهد بود. قرارداد اولیه احداث این خط لوله در تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۸۵ در بغداد و ۱۸ آوریل در آنکارا مورد بحث قرار گرفته و در ۳۱ ژوئیه همان سال با اضافه کردن ضمیمه‌ای بر موافقتنامه اصلی سال ۱۹۷۳ در مورد خطوط لوله مابین دو کشور که وضعیت حق مالکیت و حداقل زمان پرداخت را مشخص می‌کرد به امضاء رسید. حال آنکه مدارک مربوط به مناقصه خط لوله در تاریخ ۱۱ فوریه همان سال مابین پنج کنسرسیوم بین‌المللی ارائه گردید قرار بود که این شرکت‌ها تا اول آوریل پاسخ‌های خود را ارائه کنند و اعلام مناقصه در تاریخ اول مه ۱۹۸۵ صورت پذیرد. مسایل اجرایی پروژه که استفاده از امکانات و تاسیسات خط لوله اول می‌باشد قرار بود که طی مدت ۱۸ ماه از تاریخ انعقاد قرارداد تکمیل شود. همچنین همانند موافقت نامه مربوط به خط لوله اول هر کشوری مسئولیت احداث خط لوله از قبیل هزینه و نیز اجرای آن را در خاک خود بعهده داشته باشد. قرارداد مربوط به ۷۲۰ کیلومتر از خط لوله که در خاک ترکیه قرار خواهد داشت در اوت ۱۹۸۵ به کنسرسیومی متشکل از شرکت «سایپم» ایتالیا و همچنین شرکت‌های ترکیه‌ای «کوتلتاس» و «تفکن» ارائه گردید. سه ماه بعد، مقامات عراق اعلام کردند که همان کنسرسیوم برنده قرارداد ۲۰۰ کیلومتر دیگر خط لوله که در قسمت عراق

واقع خواهد بود شده است. شرکت «استام پروگنی» طراحی و مهندسی پروژه را بعهده دارد. مجموع این دو قرارداد به ارزش ۲۸۵ میلیون دلار بوده که قسمت بسیار عمده‌ای از ۲۳۰ میلیون دلار سهم عراق بصورت عرضه نفت خام پرداخت شده است. حال آنکه ۲۵۵ میلیون دلار سهم ترکیه بصورت نقد پرداخت شده که ۱۶۵ میلیون دلار آن بوسیله اعتبارات عرضه کنندگان ایتالیایی و ۹۰ میلیون دلار بقیه بوسیله دیون بانک تجارت پرداخت شد. کلیه قراردادهای مربوط به این خط لوله تا اکتبر ۱۹۸۵ نهایی شده و عملیات اجرای پروژه آن آغاز شده و قرار بود که مدت ۱۸ ماه اجرای آن بطول انجامد. مطابق برنامه قرار بود که عملیات آزمایشی عبور نفت از خط لوله در ماه ژوئن انجام شده و خط لوله بصورت کامل از نیمه دوم سپتامبر ۱۹۸۶ مورد بهره برداری قرار گیرد. لیکن اعلام شده که این خط لوله اخیراً آغاز بکار کرده است.

خط لوله جدید به ترکیه

در تاریخ ۱۶ آوریل سال جاری، عراق و ترکیه موافقت خود را به منظور احداث خط لوله جدیدی که حوزه‌های نفتی «عین زاله» در شمال عراق را به مرکز پالایشی و تولید نفت ترکیه در «باتمن» متصل می‌کند، اعلام کردند. در چند سال گذشته، عراق به بهره برداری و تولید از حوزه‌های نفتی عین زاله و حوزه‌های اطراف آن اقدام کرده است، این رژیم نفت خام تولیدی این

(در مورد عراق درآمد حاصله از فروش نفت خام و در مورد اردن درآمدهای حاصل از حق ترانزیت عبور نفت) در صورت رویارویی با هر حادثه ای نظامی از جانب کشور دیگری که منجر به رساندن خللی در صدور نفت گردد (از قبیل حمله اسرائیل) منتزع خواهد بود و چنانچه جریان صدور نفت مجدداً حالت عادی خود را پی گرفت تهمذات همانند قبل از سرگرفته خواهد شد. لیکن هیچگونه بهره ای بابت زمان توقف پرداخت نخواهد شد. قدر مسلم چنین درخواستهایی از جانب بانک های بین المللی مورد استقبال قرار نگرفته و بدین لحاظ عراق شش هفته بدانها مهلت داد که موضع خود را اعلام کنند.

آخرالامر، در نوامبر ۱۹۸۴، وزیر خارجه رژیم عراق در مصاحبه ای در واتسنگتن اعلام کرد که این پروژه به علت این که در معرض حملات اسرائیل قرار دارد کنار گذاشته شده است.

خط لوله عبوری از خاک عربستان سعودی (فاز اول)

پروژه ساخت خط لوله ای که حوزه های جنوبی عراق را به خط لوله شرقی - غربی پترولاین عربستان سعودی متصل کند، در سال ۱۹۸۴ مورد طرح قرار گرفت. در مارس همان سال سازمان دولتی پروژه های نفتی عراق با شرکت آمریکایی «براون اندروت» قراردادی را به امضاء رسانید که به موجب آن این شرکت طراحی و مهندسی فاز اول این خط لوله را به عهده داشته باشد. این خط لوله با ظرفیت روزانه ۵۰۰ هزار بشکه و بطول ۶۴۰ کیلومتر و به قطر ۲۸ اینچ بوده و در جهت حمل نفت خام نوع سبک بصره، مرکز ذخیره سازی شماره یک نفت عراق واقع در «زوبیر» نزدیک «رومیله» را به تلمبه خانه شماره ۳ خط لوله پترولاین وصل می کند. این فاز از کار همچنین مقاطعه کاری یک مرکز ذخیره سازی دیگری را در زوبیر در برداشت که شامل ۱۶ مخزن با ظرفیت کلی نزدیک به ۶ میلیون بشکه می شد. علاوه بر این، ساخت دو تلمبه خانه که هر یک توانایی پمپ کردن سالانه ۸۰ میلیون تن نفت خام سبک بصره از طریق خط لوله ۴۶ اینچ به بندر فاو و یا از طریق فاز دوم خط لوله عراق - عربستان را دارند، نیز جزء پروژه بود.

عملیات اجرایی خط لوله در کمتر از ۱۱ ماه به پایان رسید. این خط لوله بوسیله قراردادی که توسط یک کنسرسیوم فرانسوی - ایتالیایی متشکل از شرکت های «سایپم»، «اسنام پروگتی»، «سایدراکسیرت» و «اسپای - کایاگ» با ارزشی به میزان ۵۰۸ میلیون دلار در ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۴ منعقد گردیده بود، آغاز

منطقه را ابتدا با نفت خام های دیگر خود مخلوط کرده و از زمان بسته شدن خط لوله غربی خود (عبوری از سوریه) از این نفت خام در جهت استفاده در پالایشگاه های داخلی و همچنین صادرات قسمتی از آن به سله کامیون استفاده می کند. نفت خام صادر شده با کامیون به حوزه های نفتی ترکیه حمل می شود در این نقطه خط لوله ای متعلق به شرکت دولتی خط لوله ترکیه (بوتاس) با ظرفیت ۷۰ هزار بشکه در روز که در واقع بیش از ظرفیت تولیدی حوزه های این منطقه می باشد وجود داشته که ترکها پس از مخلوط کردن نفت خام دریافتی منطقه «عین زاله» عراق با نفت خام های این منطقه (که نفت خام عراق سنگین تر است) از آن در جهت استفاده در پالایشگاه های داخلی خود بهره برداری می کند. در جریان سفر اخیر مقامات عراقی به ترکیه، دو طرف مطالعاتی را در زمینه احداث خط لوله جدیدی به منظور تسهیل در حمل نفت ارائه داشته اند و قرار است که دنباله مطالعات خود و جزئیات بیشتر طرح را مجدداً مورد مذاکره قرار دهند. ظرفیت این خط با توجه به امکان افزایش خط لوله باتمن - دورتیول مابین ۵۰ تا ۷۰ هزار بشکه در روز خواهد بود. مدت زمان پیش بینی شده برای احداث این خط لوله ۲۴۰ کیلومتری از تاریخ انعقاد قرارداد به مدت یکسال خواهد بود.

خط لوله - عراق - اردن

این خط لوله که قرار بود همیشه (عراق) را به بندر عقبه (اردن) وصل کند پس از مطرح شدن مسایل بسیار در خصوص چگونگی اجرا و پرداخت هزینه های آن با تصمیم اعلام شده از جانب عراق، کنار نهاده شد. این پروژه عبارت از احداث خط لوله ای به طول ۹۲۰ کیلومتر و به قطر ۴۲ اینچ و به ظرفیت یک میلیون بشکه در روز بود که تلمبه خانه شماره ۳ نزدیک حدیثه در قسمت غربی عراق را به بندر عقبه واقع در جنوب اردن متصل می کرد. پروژه همچنین ساخت ۵ تلمبه خانه، انبارهای ذخیره نفت به میزان ۸ میلیون بشکه و همچنین یک ترمینال بارگیری در فاصله ۱۰ تا ۱۲ کیلومتری جنوب بندر تجاری عقبه را که دارای دوبازو بوده و توانایی بارگیری نفتکش های تا ۲۵۰ هزار تنی را داشته باشد، شامل می شد. مدت زمان اجرای طرح دو سال از تاریخ امضاء قرارداد بود. قرار بود که به موجب قراردادی که در تاریخ چهارم ژوئیه در بغداد منعقد گردید، عراق و اردن هر یک مسائل مالی و عملیاتی

* اقدامات اخیر عراق در بالا بردن ظرفیت صادراتی از طریق خط لوله، ممکن است وابستگی عراق به تنگه هرمز را کاهش دهد، ولی وابستگی آن به عربستان و ترکیه را افزایش خواهد داد.

احداث خط لوله در خاک خود را به عهده داشتند. همچنین احداث لوله ای به ظرفیت ۱۰۰ هزار بشکه در روز به پالایشگاه اردنی «زرقه» نیز مورد مذاکره قرار گرفته بود. هزینه کل پروژه (شامل هزینه ساخت ترمینال) به میزان ۹۷۰ میلیون دلار برآورد شده بود که ۵۷۰ میلیون دلار آن توسط بانک صادرات و واردات آمریکا تامین شده و ۲۰۰ میلیون دلار آن نیز بوسیله ECGD انگلیس و ۲۰۰ میلیون دلار دیگر توسط COFACE فرانسه تامین کردند.

در مورد به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به احداث خط، مسایل زیادی مطرح شد. در ابتدا مطرح شد که شرکت بکتل آمریکا که جنبه های اجرایی و مالی طرح را به عهده داشت قادر نبوده است که به درخواست عراق در زمینه بازپرداخت قروض بانک های خارجی توسط عرضه نفت خام به مدت حدود ۸ سال جواب مثبت دهد. همچنین عراق حق خود را در زمینه عدم پرداخت وجوهات مطرح شده در صورتی که حادثه ای غیر عادی همانند اعمال نظامی سیاسی توسط اسرائیل، صدور نفت را دچار وقفه سازد، محفوظ نگه داشته است. عراق در ژوئیه ۱۹۸۴ به این بانک ها اعلام کرد که تا اواسط سپتامبر همان سال پاسخ صریح خود را در رابطه با موضوع اخیر اظهار داشته و مواضع خود را روشن سازند.

به غیر از مساله مالی، عنوان شد که در رابطه با مساله عملیاتی بودن خط لوله، عراق بدنبال «تضمین های سیاسی» در مورد عدم حملات احتمالی اسرائیل به خط لوله و وارد آوردن خسارتی به آن نیست و آنچه عراق بدنبال آنست «تضمین های عملی» در خصوص کارکرد یکنواخت پروژه از جانب مؤسسات دولتی، بانکها و شرکت های مقاطعه کار آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی می باشد. بعنوان یک پیش فرض اساسی در جهت اجرای پروژه، عراق واردن بدنبال گنجانیدن یک اصل اساسی در توافق نامه مالی طرح بودند که به موجب آن عراق از هرگونه مساله ای در مورد ادامه بازپرداخت سرمایه اولیه و یا بهره آن



شد. قرارداد، پرداخت هزینه طرح را عمدتاً بوسیله نفت خام یادآور می شد که در این مورد قرار شد که شرکت دولتی «اجیب» ایتالیا برای مدت یک سال روزانه ۲۵ هزار بشکه نفت عراق را برداشت کند. اولین مرحله برداشت این نفت خام به میزان ۸۶۶/۲۰۰ بشکه نفت خام کرکوک (به ارزش ۲۵/۵ میلیون دلار براساس قیمت رسمی بشکه ای ۲۹/۲۳ دلار) بود که در اوایل سپتامبر صورت گرفت بطور کلی، حدود ۱۰ درصد کل هزینه پروژه (حدود ۵۱ میلیون دلار) بوسیله نفت بازپرداخت می شد. این خط لوله تماماً متعلق به عراق است لیکن مدیریت اجرایی آن از جانب عراق به یک شرکت عربستانی واگذار شده بود. گفته می شود که عربستان سعودی هیچگونه میزانی را در مورد حق ترانزیت نفت درخواست نکرده است. طبق برنامه قرار بود نفت خام سبک بصره از تلمبه خانه، شماره ۳ در جوار نفت خام سبک عربستان به ترمینال ینبع واقع در دریای سرخ رسانیده شود.

بهرحال کارهای مربوطه در سپتامبر ۱۹۸۵ تکمیل گردید و تا آخر همان ماه عبور نفت آغاز شد. میزان صادرات نفت تا آخر اکتبر به میزان ۲۵۹ هزار بشکه در روز رسید و در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۸۵ از این میزان نیز فراتر رفت. در عین حال با توجه به اتمام عملیات مربوط به توسعه خط لوله شرقی - غربی پترولاین عربستان، که قدرت صادراتی این خط را از ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز به ۳/۵ میلیون بشکه در روز رسانیده است، عربستان به عراق اجازه داد که از اول مارس ۱۹۸۷ میزان نفت خام «سبک بصره» عبوری خود از این خط لوله تا ترمینال ینبع را تا میزان ۵۰۰ هزار بشکه در روز (یعنی باندازه حداکثر ظرفیت خط لوله عراق) افزایش دهد.

به دلیل پروژه تکمیلی توسعه ظرفیت خط لوله شرقی - غربی عربستان میزان نفت خام عبوری عراق در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۸۶ تا حدود ۱۰۰ هزار بشکه در روز و در ماههای ژانویه و فوریه ۱۹۸۷ تا حدود ۲۵۰ هزار بشکه در روز در مقایسه با میزان ۲۷۰ هزار بشکه در روز ماههای قبل کاهش یافته بود.

پروژه خط لوله دوم عبوری عراق از خاک عربستان

خط لوله شماره ۲ عبوری عراق از خاک عربستان، خط لوله مستقلی است که ظرفیت عبور روزانه ۱/۶ میلیون بشکه (۸۰ میلیون تن در سال) نفت خام نوع «سبک بصره» را خواهد داشت. این خط لوله از لوله های به قطر ۲۸ و ۵۶

اینچ به طول ۹۷۰ کیلومتر تشکیل شده و به موازات خط لوله شرقی غربی پترولاین سعودی (یعنی خط لوله ای که فعلاً عربستان و عراق از آن استفاده می نمایند) بوده و از ایستگاه تلمبه خانه شماره ۳ خط لوله - پترولاین تا ترمینال صادراتی جدیدی واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب «ینبع» واقع در دریای سرخ، امتداد خواهد داشت. این ترمینال دارای ظرفیت ذخیره سازی حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت و تسهیلات بارگیری واقع در دریا برای نفتکش هایی تا ۴۰۰ هزار تن می باشد. این خط به خط لوله شماره ۱ عراق، بطول ۶۳۰ کیلومتر، از حوزه های نفتی جنوبی عراق تا ایستگاه تلمبه خانه شماره ۳ واقع در خاک سعودی، متصل خواهد شد. ظرفیت عبوری خط لوله شماره یک عراق به میزان ۵۰۰ هزار بشکه در روز است.

در دسامبر ۱۹۸۵، شورای وزیران سعودی، مسیر خط لوله و همچنین محل استقرار این ترمینال جدید صادراتی واقع در دریای سرخ را مورد تصویب قرار داد. در فوریه ۱۹۸۶ اعلام شد که شرکت آمریکایی «پراون اندرووت» که از جانب عراق به عنوان شرکت مشاوره مهندسی و مدیریت اجرایی خط لوله شماره ۲ عراق تعیین گردیده است، قرار است که اسناد مربوط به مناقصه پروژه این خط لوله را در ظرف مدت ۳ ماه آماده نماید. در عین حال در اول فوریه ۱۹۸۶، مقامات عراقی قراردادی را با شرکت آرامکو و همچنین دو شرکت طرف قرارداد این شرکت در طرح پروژه دوم خط لوله سعودی، (شرکت مانیسمن آلمان غربی و شرکت ایتالیایی ساییم) منعقد ساخته است به موجب قرارداد مذکور این شرکت ها از جانب عراق، خاک برداری و عملیات مربوط به مناطق سخت و کوهستانی (شکست صخره ها و...) حدود ۱۷۰ کیلومتر از ۹۷۰ کیلومتر کل پروژه را که در مناطق شرقی و غربی سعودی واقع است به عهده خواهند داشت. میزان مربوط به شرکت ساییم ۱۲۶ کیلومتر به هزینه ۲۳/۴ میلیون دلار می باشد.

از آنجائی این شرکت ها مشغول عملیات بر روی چنین مناطقی در ارتباط با پروژه خط لوله شماره ۲ پترولاین عربستان بودند، در فوریه ۸۶ تصمیم گرفته شد که از لحاظ لجستیکی، کار مربوط به خط لوله شماره ۳ عراق نیز بطور همزمان با کار بر روی خط لوله عربستان، صورت پذیرد، سازمان دولتی پروژه های نفتی عراق، مناقصه ای را برای تامین عرضه ۴۰۰ هزار تن

لوله های بقطر ۲۸ و ۵۶ اینچ جهت انجام فاز دوم کار خط لوله عبوری عراق

* باتوجه به افزایش میزان وابستگی

کشورهای مصرف کننده به نفت خام خلیج فارس، انتظار می رود که در میان مدت و درازمدت میزان عبور نفت خام از تنگه هرمز بازم افزایش یابد.

اعلام کرد که آغاز قرار بود که تاریخ اتمام پذیرش پیشنهادات واصله، ۱۵ اوت ۱۹۸۶ باشد. بگونه ای که کار لازمه قبل از پایان سال ۱۹۸۶ آغاز و تا نیمه سال ۱۹۸۸ خاتمه یابد. لیکن ابتدا، قبول پیشنهادات تا ۲۵ اکتبر ۱۹۸۶ تمدید گردید و پس از آن نیز مجدداً اعلام شد که تا مارس ۱۹۸۷ مذاکرات مربوط به مناقصه ادامه خواهد داشت.

کنسرسیومی متشکل از چهار شرکت فولاد ژاپنی شرکت «فولاد نیپون»، شرکت «نیپون کوکان»، «صنایع فلزی سومی تومو» و شرکت فولاد «کاوازاکی» و همچنین ۵ شرکت معامله گر دیگر «میتسوبیشی»، «سی ایتو»، «سومی تومو»، «ماروبنی» و «نیشوایوای» و نیز شرکتهای آلمانی و ایتالیایی، پیشنهاداتی به میزان ۳۰۰ میلیون دلار ارائه داشته اند. مقامات عراقی خواهان بازپرداخت صد درصد هزینه پروژه بوسیله نفت هستند.

خط لوله «استراتژیک» عراق

در جهت اطمینان از اتراات نامطلوب صدمه دیدن خطوط لوله مدیترانه که از کرکوک به بانیاس، طرابلس و نیز دورتیول امتداد دارند و همچنین تامین وضعیت حوزه های نفتی شمال خود، عراق تصمیم گرفت که خط لوله «استراتژیک» را تا خلیج فارس احداث نماید. این خط لوله شامل دو قسمت است که قسمت اول به طول ۶۸۰ کیلومتر «جدیسه» را به رومیله متصل می کند قسمت دوم که ۱۰۵ کیلومتر طول دارد رومیله را به ترمینال فاو (واقع در خلیج فارس) متصل می کند. این خط لوله در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۵ مورد بهره برداری قرار گرفته و در اولین مرحله در ژانویه ۱۹۷۶ نفت خام را به ترمینال البکر (واقع در دریا) که همانند ترمینال خورالامیه بوسیله خط لوله از زیر آب به فاو متصل است، حمل کرد.



قسمت حدیثه - رومیله از دو خط لوله به موازات هم، یکی به قطر ۴۲ اینچ در جهت حمل نفت خام و با ظرفیت ۲۹ میلیون تن در سال از شمال به طرف جنوب و ۴۴ میلیون تن در سال از جهت دیگر و دیگری به قطر ۱۸ اینچ و در جهت حمل گاز تشکیل شده است.

قسمت رومیله - فاه نیز از دو خط لوله به موازات هم، یکی به قطر ۲۴ اینچ و دیگری به قطر ۳۰-۳۲ اینچ تشکیل شده است.

علی رغم استفاده وازه «استراتژیک» از جانب عراق، این رژیم قادر نبوده است که با توجه به بسته شدن خطوط لوله کرکوک به بانیاس و طرابلس از این خط لوله استراتژیک استفاده نماید. چه تحت تاثیر جنگ، تحمیلی عراق به ایران، نیروی هوایی جمهوری اسلامی تاکنون طی چندین نوبت ترمینال فاه را مورد بمباران قرار داده و از بین برده است.

خطوط لوله دیگر

خط لوله دیگری در سال ۱۹۷۶ مورد بهره برداری قرار گرفت که حوزه های «بوزورگان» و «ابوقیرب» (که توسط شرکت «الف» کشف گردیده بودند) را به ترمینال فاه واقع در خلیج فارس متصل می کرد. عملیات اجرایی این خط لوله ۳۰۰ کیلومتری در سال ۱۹۷۴ توسط شرکت فرانسوی OTE و شرکت انگلیسی EMEG با هزینه ۵۰ میلیون دلار، همزمان با بهره برداری از دو حوزه ذکر شده، به پایان رسید.

وضعیت خطوط لوله کنونی عراق و طرح های احداث خطوط جدید و یا توسعه خطوط فعلی:

خط لوله	ظرفیت کنونی	ظرفیت آتی	توضیح
کرکوک - بانیاس / طرابلس	-	۱/۴ (در صورت گشایش)	این خط لوله در ۱۰ آوریل ۱۹۸۲ تاکنون از جانب سوریه بسته شده است. در حال اجرا
کرکوک - دورتبول توسعه کرکوک - دورتبول	۱/۰ ۰/۵	۱/۵	
خط لوله جدید به ترکیه اتصال به خط لوله پترولاین عربستان	-	۰/۵ تا ۰/۷	از ابتدای سال ۱۹۸۹
خط لوله دوم عبوری از خاک سعودی	-	۱/۶	
جمع	۲/۰	۳/۱۵	(بدون احتساب خط لوله سوریه)

ج - کویت:

وضعیت خاص تنگه هرمز و اینکه تنها منبع عبور نفت کویت از این ناحیه می باشد از چندی پیش این کشور را بر آن داشت که نسبت به احداث خطوط لوله ای که این تنگه را کنار نهاده و از مسیر دیگری نفت خام کویت را به بازارهای مصرف روانه سازد اقدام کند.

در سال ۱۹۸۱ مساله تنگه هرمز در اجلاس کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مطرح شد و این شورا مشترکاً بر آن شد که احداث خط لوله ای که از کویت آغاز شده و تا خلیج عمان امتداد داشته باشد و نفت تمامی کشورهای عضو این شورا را انتقال دهد مطالعاتی را آغاز کند.

با توجه به تعویق اجرای این طرح که دلایل عدیده ای در برداشت، کویت بر آن شده است که مستقلاً به احداث خط لوله ای که از خاک سعودی عبور کرده و نفت خام این کشور را به دریای سرخ می رساند، اقداماتی را صورت دهد. اگر چه مابین مقامات سطح بالای دو کشور کویت و سعودی مساله ساختن خط لوله ای از جانب کویت مورد توافق قرار گرفته است، لیکن از لحاظ اقتصادی هنوز ابهاماتی در زمینه هزینه های دربرگیرنده این خط لوله وجود دارد.

در عین حال دو نظریه در مورد چگونگی این خط لوله مورد بررسی می باشد.

(۱) - خط لوله اتصالی به خط لوله پترولاین سعودی

این خط لوله از ۳۰۰ کیلومتری جنوب کویت آغاز شده و حوزه های نفتی این کشور را به خط لوله شرقی غربی پترولاین عربستان (که تدریجاً سرخ امتداد



*** در سال ۱۹۸۶ حدود ۶۵۰۰ کشتی (عمدتاً نفتکش) از تنگه هرمز عبور کرده‌اند و ۱۰۵ کشتی شامل ۸۰ نفتکش مورد اصابت قرار گرفته‌اند.**

*** از ابتدای آغاز حملات انجام شده به نفتکش‌ها تا ماه مه سال جاری (اوایل خرداد ماه) ۱۸۱ نفتکش مورد حمله قرار گرفته‌اند.**

دارد) متصل خواهد کرد. پروژه ۲۵۰ میلیون دلاری ساختن این خط لوله که ۵۰۰ هزار بشکه در روز ظرفیت دارد تا تلمبه خانه شماره ۳ خط لوله پترو لاین در نزدیکی شهر «خوریس» واقع در ۸۰ کیلومتری شمال ریاض (جایی که در حال حاضر نفت خام سبک بصره عراق به خط لوله سعودی می‌ریزد) و در جوار خط لوله عراق، امتداد خواهد داشت.

این خط لوله ۵۰۰ کیلومتری به قطر ۱۲۲ اینچ بوده و دارای یک تلمبه خانه با ظرفیت انبارسازی نفت به میزان ۳ میلیون بشکه خواهد بود و مدت تکمیل آن ۱۱ ماه بطول خواهد انجامید.

۲- خط لوله عبوری از خاک سعودی تا دریای سرخ

نظریه دوم مبتنی بر احداث خط لوله‌ای به قطر ۱۳۶ اینچ و بطول ۱۱۲۰ کیلومتر است، که از جنوب غربی کویت تا نزدیکی ترمینال نفتی ینبع عربستان واقع در دریای سرخ امتداد خواهد داشت. گفته می‌شود که این خط لوله دارای ظرفیتی به میزان یک میلیون بشکه در روز در جهت حمل نفت خام و فرآورده های نفتی می‌باشد. دولت کویت در حال نهایی کردن این تصمیم و در نظر گرفتن این مساله است که آیا این خط در جهت حمل فرآورده های نفتی تصفیه شده در داخل کویت و همچنین انتقال نفت باشد و یا اینکه از دو خط لوله به موازات هم استفاده شود که یکی از آنها برای حمل نفت خام و دیگری برای حمل فرآورده های نفتی باشد. اما چگونگی و کیفیت احداث خط لوله ای مشترک برای حمل نفت خام و فرآورده های نفتی با سوال همراه می‌باشد و این بدان خاطر است که با توجه به توسعه کیفی اخیر پالایشگاه های کنونی کویت و صرف چندین میلیارد دلار در جهت هرچه مرغوبتر تولید کردن نفت گاز، نفت سفید و سایر انواع فرآورده، حمل تمامی این محصولات از طریق یک خط لوله از لحاظ کیفی ملاحظات را در بر دارد.

از لحاظ تکنیکی، حمل هریک از این محصولات نیاز به خط لوله ای مجزا دارد و این امر عملاً بسیار گران و غیر اقتصادی خواهد بود و با توجه به نظرات مخالف در مورد احداث چنین ترکیب خط لوله ای، بنظر می‌رسد که شرکت نفت کویت ترجیحاً احداث یک خط لوله چندگانه را دنبال می‌کند که هم نفت خام را حمل نماید و هم فرآورده های نفتی را. علاوه بر این - این امکان وجود دارد که این خط لوله از یک ترمینال مخصوص به خود در نزدیکی ترمینال ینبع برخوردار باشد. زمان ساخت لوله و همچنین ترمینال مربوط به آن حدود ۲۴ ماه در نظر گرفته شده است و قرار است که این پروژه توسط شرکت «سانتافه براون کویت (از متعلقات شرکت نفت کویت) ساخته شود. بدین لحاظ از سانتافه خواسته شده است که مراحل تحقیقاتی فنی پروژه خط لوله کویت - ینبع را از دوره ممکن مورد ارزیابی قرار دهد. احداث یک خط لوله مستقیم کویت به ینبع و یا احداث خط لوله ای از کویت به خط لوله پترو لاین عربستان و امتداد آن به موازات خط لوله سعودی تا ینبع.

بنظر می‌رسد که طریق دوم بیشتر مدنظر کویت است. تصمیمات نهایی در مورد بررسی تمامی این پیشنهادات بنظر نمی‌رسد که تا پایان سال جاری گرفته شود. ظاهراً کویتی‌ها در اندیشه این امر هستند که به آنها اطمینان داده شود که تحت هر شرایطی آنها قادر خواهند بود که عرضه نفت خام به پالایشگاه های خود در غرب و نیز عرضه فرآورده های حاصله به شبکه های توزیع خود در اروپا را حفظ کنند.

گفته می‌شود که احداث خط لوله با چنین هزینه سنگینی توسط کویت، تنها در جهت رفع نگرانی داخلی این کشور بوده و هزینه جایگزینی نفت و حتی کشتیهایی که مورد صدمه قرار گرفته اند بهیچ عنوان جواپگویی هزینه سنگین احداث چنین خط لوله ای را تنها از لحاظ اقتصادی، توجیه نمی‌نماید. در شرایط عادی، حتی چنانچه هزینه سرمایه گذاری احداث این خط لوله نیز در نظر گرفته نشود. حق عبور نفت خام که می‌بایستی به سعودی پرداخت شود، بطور قطع از هزینه حمل و نقل (با کشتی) به مقصد غرب بیشتر خواهد بود.

پیشنهاد اردن در مورد استفاده از خط لوله «تاپلین» عربستان اردن به کویت پیشنهاد کرده است تا نسبت به احداث خط لوله ای که

میدانهای نفتی آن کشور را به خط لوله «تاپلین» سعودی متصل می‌سازد اقدام کند. مسیر خط لوله تاپلین از عقبه (عربستان) منشعب شده و از طریق زرقه (اردن) به ظهرانی (لبنان) می‌رسد، تنها شاخه عقبه - زرقه این خط لوله که دارای ظرفیت روزانه ۵۰۰ هزار بشکه در روز است، قدمتی حدود ۴۰ سال دارد و از آن برای رساندن نفت خام سعودی به یک پالایشگاه اردن واقع در نزدیکی زرقه استفاده می‌شود. گفته می‌شود که اردن طی پیشنهادی، بازگشایی تمام مسیر و همچنین افزایش ظرفیت آن خط لوله را از طریق تاسیس تلمبه خانه های جدید، مطرح ساخته است. تاکید اردن ظاهراً بر این اصل استوار است که انجام این پروژه به مراتب کمتر از احداث یک خط لوله جدید از کویت به بندر ینبع (سعودی) هزینه در بر خواهد داشت. برای اردن این امر از این جنبه قابل اهمیت است که با بازگشایی خط لوله تاپلین، آن کشور درآمد قابل توجهی را از طریق اخذ عوارض ترانزیت نفت به خود اختصاص خواهد داد.

کویت موافقت کرده است که پیشنهاد اردن را به دقت مورد بررسی قرار دهد. علت مثبت بودن این پیشنهاد برای کویت این است که احداث یک شاخه ۱۰۰ کیلومتری (که می‌تواند در تلمبه خانه های «واریه» و یا «قیسومه» به خط لوله تاپلین متصل شود) بدون شک کمتر از احداث یک خط لوله جدید به بندر ینبع (که حدوداً بیش از هزار کیلومتر می‌باشد) هزینه در بر خواهد داشت. همچنین از نظر زمانی نیز بدیهی است که اجرای این پروژه مدت کوتاهتری بطول می‌انجامد. علاوه بر این، دو پالایشگاه (زرقه با ظرفیت ۱۰۰ هزار بشکه در روز و ظهرانی در لبنان به ظرفیت ۱۷۵۰۰ بشکه در روز) می‌توانند برای آن کشور و مشتریان را تامین کنند. بزرگترین جنبه منفی خط لوله «تاپلین» اینست که این خط لوله از منطقه سیاسی نامنی همچون لبنان، یعنی کشوری که از سال ۱۹۷۵ درگیر یک جنگ داخلی است و مساله درگیری های نظامی بین نیروهای لبنانی، فلسطینی، سوری و اسرائیلی جزو اتفاقات روزمره است می‌گذرد. همچنین در حالیکه قسمت منتهی به مدیترانه خط لوله تاپلین برای عرضه محصولات کویت به تاسیسات این کشور در اروپای غربی بسیار مناسب است، لیکن این نقطه از بازارهای سنتی کویت واقع در خاور دور بسیار فاصله دارد. این امر برای کویت ضرورت دارد که این پیشنهاد را دقیقاً از تمامی جوانب بخصوص جنبه اخیر که تقریباً غیر قابل چشم پوشی است مورد بررسی جامع قرار دهد.

خط لوله عبوری از مصر تا دریای مدیترانه

گفته می‌شود که کویت در اندیشه احداث خط لوله دیگری است که از طریق خلیج سوئز و از خاک مصر تا بندر «الکساندریا» واقع در دریای مدیترانه ادامه خواهد داشت. این محلی است که ساخت تاسیسات مشترک با مصر در آن، اخیراً مورد مذاکره مقامات نفتی دو کشور قرار گرفته است. ظاهراً شرکت نفت کویت از شرکت «سانتافه براون» خواسته است که مطالعاتی را در زمینه ایجاد مجموعه ای در جهت ذخیره سازی نفت خام، فرآورده های نفتی، مایعات گاز طبیعی و محصولات پتروشیمی در «ایمری» نزدیک بندر «الکساندریا» به انجام برساند. هدف از این اقدام ایجاد یک ترمینال مطمئن برای محصولات کویتی است، بگونه ای که اگر مسایل کنونی خلیج فارس سخت تر شد بتوان از این ذخایر برداشت کرد. تصمیم کویت در واقع توسعه خط لوله این کشور از طریق خاک سعودی تا بندر ینبع است که پس از آن از طریق مصر تا دریای مدیترانه امتداد یابد. «چنانچه» این برنامه ها عملی گردد، کویت می‌تواند در اندیشه توسعه مجموعه پتروشیمی «ایمری» باشد که می‌تواند با هزینه ای به میزان ۳۰۰ میلیون دلار، سالانه ۱۶۰ هزار تن اتیلن تولید کند. توسعه پالایشگاه «ایمری» نیز تحت بررسی است.

بطور کلی در مورد احداث خطوط لوله توسط کویت بایستی یادآور شد که تمامی خطوط لوله مطرح شده جنبه آینده نگری داشته و مطالعاتی در هریک از زمینه ها ظاهراً در حال انجام است. ولی چیزی که بطور قطع مشخص است اینست که زمان موثر برای بهره برداری از خطوط لوله مطرح شده حداقل دو سال می‌باشد و این کشور تا آن زمان می‌بایستی که همانند وضعیت کنونی از تنگه هرمز در جهت صدور نفت خود استفاده کند.

*** خطوط لوله موجود در منطقه خلیج فارس قادر به انتقال ۴/۵ میلیون بشکه نفت خام در روز می باشند که تا ۵/۶ میلیون بشکه توسعه خواهند یافت.**

*** ۵ تا ۷ درصد نفت خام مورد نیاز آمریکا از خلیج فارس تأمین می شود حال آنکه میزان مربوط به ژاپن حدود ۶۰ درصد است و این به معنی آسیب پذیری شدید این کشور از بسته شدن تنگه هرمز است.**

د - شورای همکاری خلیج فارس:

وضعیت خاص خلیج فارس و بالا گرفتن تنشجات موجود باعث شد که از سال ۸۱ تاکنون کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در صدد احداث خط لوله ای در جهت عدم عبور نفت خام خود از تنگه هرمز باشند. این خط لوله قرار بود که بصورت طرح مشترکی از جانب کشورهای عضو این شورا باشد که از کویت آغاز شده و تا خلیج عمان ادامه داشته و از آن به منظور حمل نفت خام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس استفاده شود.

بنظر می رسد که پروژه احداث خط لوله ای که در حال حاضر کویت به دنبال آن است و قرار است از کویت شروع شده و پس از گذشتن از شبه جزیره عربستان به دریای سرخ منتهی گردد، بعنوان جانشینی برای این خط لوله باشد. ظاهراً طرح احداث خط لوله به عمان دیگر کنار گذاشته شده است و گفته می شود که عربستان سعودی نیز علاقه خود را در مورد پروژه احداث این خط لوله بخاطر توسعه خط لوله پترولاین و همچنین بخاطر بی ثباتی عمومی وضعیت آب و هوا و شرایط جوی خلیج عمان از دست داده است.

با توجه به وضعیت خاص خلیج فارس و ادامه حملات به نفتکش های عبوری، کویت نیز در انتظار بیشتر برای پروژه خط لوله مشترک کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نمانده و بدین سبب احداث خط لوله ای که نفت کویت را به دریای سرخ می رساند، دنبال می کند. گفته می شود که اولین تلمبه خانه مربوط به خط اخیر در داخل خاک کویت قرار داشته و درجایی واقع خواهد بود که ممکن است کشورهای دیگر عضو شورای همکاری خلیج فارس، نظیر قطر، بوسیله خط لوله دیگری بدان بپیوندند و بدین منظور از همین مسیر برای رساندن نفت خود به بندر ینبع استفاده کنند.

همچنین، گفته می شود که مقامات سعودی به اطلاع دیگر اعضای شورای خلیج فارس رسانده اند که تنها بدین شرط اجازه خواهند داد از خاک سعودی برای عبور خط لوله تا دریای سرخ استفاده شود که انجام این پروژه اولاً باعث اختلاف مابین آنها نشده و ثانیاً باعث ناراحتی عمان (عضو دیگر شورا) نیز نگردد چه این سلطان نشین از سال ۱۹۸۱ تاکنون بدنبال پروژه احداث خط لوله خلیج عمان بوده است. اگر چه همانگونه که ذکر شد، سایر اعضای شورای همکاری نظر خود را در مورد احداث این پروژه تغییر داده و از چندی قبل بدنبال جانشین های بهتری برای آن بوده اند. بطور مثال ابرطیسی پروژه ای را در دست دارد که خط لوله ای را به ظرفیت ۶۰۰ هزار بشکه در روز احداث نماید که «هشان» را به «فجیره» وصل کند.

علاوه بر این، در جهت رقابت هر چه بیشتر با تولید کنندگان دریای شمال و در جهت عرضه هر چه سریعتر نفت خام های منطقه خلیج فارس به مناطق دور مصرف، طرحی در دست مطالعه است بموجب این طرح کشورهای حوزه خلیج فارس در صدد احداث خط لوله ای عظیم بوده که از اقیانوس اطلس تیک عبور کرده و بندر ینبع عربستان را به بندر «کریبی» متصل می کند.

بوسیله این خط لوله نفت خام های عرضه شده در سواحل جنوب آفریقا برای مقاصد بعدی پارگیری می شود. حمایت کنندگان از این طرح معتقدند که استفاده از این پروژه، در بلند مدت، بسیار ارزان تر و با صرفه تر از استفاده از نفتکش های اجاره ای و همچنین ذخیره سازی شناور توسط شرکت «نورینگ» می باشد.

گفته می شود که پروژه پیشنهادی خط لوله عبوری از آفریقا، مورد حمایت فهد پادشاه سعودی و برخی دیگر از اعضا خاندان سلطنتی قرار گرفته است. احداث این خط لوله هزینه ای را به میزان ۷ میلیارد دلار در برداشته و از ظرفیتی به میزان ۲ تا ۲/۵ میلیون بشکه در روز برخوردار خواهد بود و می توان از آن در جهت عبور نفت خام های عربستان، سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و همچنین عراق استفاده کرد.

این خط لوله از بندر ینبع عربستان آغاز شده، پس از عبور از زیر دریای سرخ تا سواحل کشور سودان امتداد داشته، از این محل این خط لوله از آفریقای مرکزی عبور کرده و تا بندر «کریبی» نزدیک «دوالا» در کامرون ادامه خواهد داشت. طرف های ذینفع در احداث این خط لوله عبوری از آفریقا، دولت های عربستان سعودی (پترومین) عراق، کویت (شرکت نفت این کشور)

کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی و سودان خواهند بود.

حمایت کنندگان از این پروژه اشخاص سرشناسی از سعودی، شورای همکاری خلیج فارس، آمریکا و آفریقا و همچنین شرکت آمریکایی «بکتل» (که دارای شراکتی در عربستان با دستگاه فهد و همچنین چهره مشهور سلیمان الایان است) می باشند. عمده ترین حمایت کننده این طرح، «باسیل تساکوس» که شرکت همکاری های مربوط به خط لوله های عبوری از آفریقا را تاسیس کرده است، می باشد.

اگر چه ممکن است چنین بنظر برسد که این پروژه سنگین همانند پروژه عظیم ۱۴ میلیاردی شرکت بکتل در جهت اقدام به احداث خط لوله گازی که از صحرا عبور نموده و گاز مناطق آفریقای نیجریه، الجزایر و سایر کشورهای آفریقای را از طریق جبل الطارق به اروپا حمل می کند، دست نخورده باقی خواهد ماند. لیکن مساله اینست که حمایت خاندان سعودی از این طرح از دو نظر قابل توجه بوده و تحولی اساسی بحساب می آید:

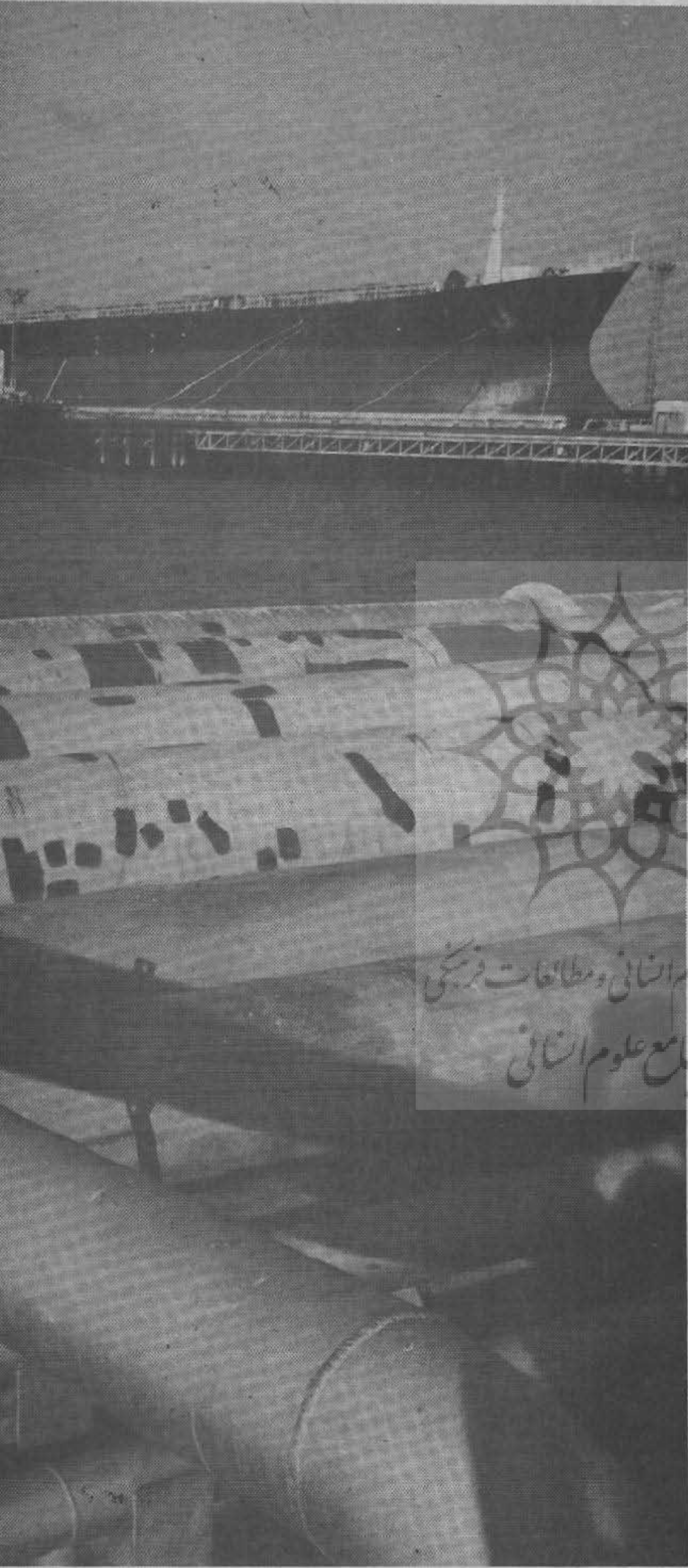
(الف) - این مساله باعث می شود که در صورت ساخت چنین خط لوله ای، اجرای عملیات بالا دستی در آفریقای مرکزی در آینده از چشم انداز خوبی برخوردار باشد.

(ب) - تاکنون تمامی خطوط لوله مطرح شده در جهت عرضه نفت به دریای مدیترانه که در واقع جنب بازار اروپا می باشد، بوده است. لیکن این خط لوله باعث می شود که نفت خام عربستان، عراق (و همچنین احتمالاً کویت و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) به بازار آمریکا نزدیک تر شوند. بطور کلی، بایستی یادآور شد که ساخت خطوط لوله و بکار انداختن آن هزینه بسیار گران و زیادی را در بر داشته و تحت شرایطی در جهت امنیت صادرات صورت گرفته و صرف میلیاردها دلار در مورد احداث آنها نبایستی که صرفاً از نقطه نظر اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.

بقیه از مساله تأمین امنیت، مساله عبور خطوط لوله از مرزهای کشورهای چندی، همواره تحت تأثیر سیاست های این کشورها نیز واقع گردیده که اطمینان عبور نفت از آنها را تحت شعاع قرار خواهد داد. بطور مثال، پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، در جهت عدم پرداخت حق ترانزیت کانال سوئز، عربستان سعودی به احداث خط لوله «تاپلین» که حوزه های نفتی شرقی این کشور را پس از عبور از خاک سوریه به بندری در لبنان وصل می نمود، اقدام کرد. از آن پس تلاش عربستان همواره در جهت رقابت آمیزتر کردن هزینه نفت خام عبوری از این خط با هزینه عبور نفت توسط نفتکش ها از کانال سوئز قرار داشت. کمی بعد، با اتخاذ سیاست سوریه مبنی بر گرفتن حق ترانزیت عبور خط لوله از خاک خود، جنبه اقتصادی استفاده از این خط لوله مورد سوال قرار گرفت. خط لوله نفتی به حیفا که بلافاصله پس از اولین جنگ اعراب - اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بسته شد، نیز نمونه ای دیگر از

جدول شماره ۶ وضعیت کلی خطوط لوله در خاورمیانه

نام کشور	مسیر	ظرفیت کنونی	ظرفیت آتی	توضیح
عربستان سعودی	خط لوله پترولاین به لبنان خط لوله پترولاین به دریای سرخ توسعه خط لوله پترولاین	۰/۵ ۱/۸۵ ۱/۲۰	۰/۵ ۳/۰۵ ۱/۲۰	این خط لوله در فوریه ۱۹۷۵ بسته شده است در حال حاضر روزانه به میزان ۵۰۰ هزار بشکه توسط عراق مورد استفاده قرار میگیرد.
عراق	کرکوک - بانهاس / ترمبولی	۱/۲۰	۱/۲۰	خط لوله کرکوک - ترمبولی از آوریل ۷۶ کرکوک - بانهاس از آوریل ۸۲ بسته شده است.
	کرکوک - دورتبول (ترکیه) توسعه خط لوله ترکیه خط لوله جدید به ترکیه	۱/۰۰ ۰/۵۰ -	۱/۰۰ ۰/۵۰ ۰/۰۷۰/۵۰	هزینه قرارداد ساخت متعقد شده، از زمان عقد قرارداد یکسال اجرای آن طول می کشد احتمالاً در سال ۱۹۸۹ آماده کار خواهد شد.
کویت	خط لوله عبوری از خاک سعودی به دریای سرخ	-	۱/۰۰	هزینه قرارداد ساخت متعقد شده و از زمان عقد قرارداد دو سال ساخت آن برآورد شده و احتمالاً در سال ۱۹۹۰ آماده بهره برداری خواهد بود.
شورای همکاری خلیج فارس	خط لوله عبوری از خاک سعودی	-	۱	تاکنون آنبهش احداث این خط مطرح شده است.
ابوظبی	خط لوله هشان به فجیره	-	۰/۶۰	این طرح در سطح بسیار مقدماتی است.
جمع	ظرفیت کنونی مورد استفاده	۲/۵۵	۵/۶	شامل خطوط لوله ای که انجام آنها مسجل است همچنین خطوط لوله ای که فعلاً مسدود هستند.



این امر است. در این میان، خط لوله کرکوک - بانیا / طرابلس نیز چندین بار تحت تاثیر سیاست‌های سوریه و عراق مورد تهدید قرار گرفته و بسته شده است. علاوه بر این، خطوط لوله و همچنین تلمبه‌خانه‌های مربوطه، دانما در معرض عملیات انفجاری قرار داشته تا جایی که خطوط لوله عراق و سوریه تاکنون بدفعات مورد حملات قرار گرفته و عبور نفت بطور موقت قطع شده است. گرچه تعمیر خطوط لوله بسیار ساده است، لیکن نوسانات عرضه را در بردارد. در عین حال در مورد خطوط لوله تضمین‌های سیاسی نمی‌تواند کارآمد باشد چه دولت‌ها تغییر می‌کنند، سیاست‌ها عوض می‌شود، تعهدات لزوماً همانند آنچه که بوده حفظ نمی‌شود و حتی قطعنامه‌های سازمان ملل نیز مورد رعایت قرار نمی‌گیرد.

وضعیت کلی خطوط لوله و تنگه هرمز

وضعیت خطوط لوله کنونی و طرح‌های توسعه و یا احداث خطوط لوله جدید از جانب کشورهای حوزه خلیج فارس در جدول ۶ تشریح گردیده است:

نکته قابل توجه، افزایش توانایی صادراتی سواحل سعودی (علی‌الخصوص در بندر بنبع) در حدود سال ۱۹۹۰ می‌باشد که احتمالاً تا حدود ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

در عین حال همانگونه که ذکر شد با توجه به افزایش میزان وابستگی کشورهای مصرف‌کننده به نفت خام خلیج فارس، انتظار می‌رود که در میان مدت و دراز مدت میزان جریان عبور نفت از تنگه هرمز باز هم افزایش یابد. در عین حال احداث خطوط لوله ممکن است که وضعیت صادراتی برخی از کشورها را بهبود بخشد و عبور نفت را از مسیرهای دیگر بجز تنگه هرمز عملی سازد، لیکن نمی‌تواند بطور کل اهمیت این آبراه مهم را از بین ببرد. همچنین باتوجه به اقدامات اخیر عراق در جهت بالا بردن ظرفیت صادراتی خود از طریق احداث خطوط لوله خارج از تنگه هرمز، ممکن است که میزان وابستگی این رژیم به استفاده از تنگه هرمز کاهش پذیرد. لیکن میزان وابستگی عراق به کشورهای ترکیه و عربستان سعودی را بسیار بالا خواهد برد و این امر با توجه به ماهیت دولت‌های وابسته به غرب آنها بسیار قابل توجه است.

منابع استفاده شده:

- 1) Arab Oil & Gas Directory 1986
Transportation & Pipelines
Sections related to, Kuwait, Lebanon, Jordan, Iran, Qatar, Saudi Arabia, Syria & UAE
- 2) Pipelines & Power in the Gulf, Shifting Balances
Cambridge Energy Research Associates
By, Thomas L. Mc Naugher
December 1986
- 3) International Oil Trade Through the Strait of Hormuz
By, George Quincey Lumsden, Jr
Petroleum Markets Director, IEA, Paris
November 1986
- 4) Stock Research, International Oils
Salomon Brothers Inc.
June 16, June 11, 1987, Nov. 12, 1986
- 5) Middle East Economic Survey
1987, July 6, June 26 May 11 & 4, April 27 & 6, March 16 & 2, Jan 26
1986, Dec 15 Oct 20 & 6, Sep 8, Aug 18, July 21, June 30 & 9, May 19 &
12, Mar 10, Feb 10
1985, Dec 16 & 2, Nov 25, Oct 7, Sep 9, Aug 26, 19 & 12, July 29 & 15,
June 17, May 20 & 6, April 22 & 15, Mar 4, Feb 18
1984, Dec 31 & 17, Oct 29 & 1, Sep 17, July 30, Jan 30
1983, Oct 10
- 6) The Oil Daily, 17/6/87
- 7) Petroleum Economist
May, March & February 1987
- 8) Arab Press Services, Oil Market Trends
29 June 16 July - 22/29 June - 25 May / 1 June - 20/27 April
30 Mar / 6 April - 23/30 March - 2/9 Feb - 26 Jan / 2 Feb - 19/26 Jan - 5/12
Jan - . 1987
- 9) Petrostrategies
June 15, May 11, April 127, Mar 16, 1987
- 10) ION Management Editions, June 22, 1987
- 11) Futures Review and Outlook, June 15, 1987
- 12) Oil & Gas Journal, Dec 8, 1986
- 13) Petroleum Intelligence Weekly, Mar 9 & Jan 19, 1987
- 14) The Economist Intelligence Unit, Quarterly Energy Review, Iraq,
1986/1987 Annual Supplement
- 15) Platt's Oilgram News Wire, May 6, March 20, 1987
- 16) OPECNA News service, June 23, 1987